

بیشتر مسلمانان، خصوصاً نسل جوان تر با فرهنگ و تمدن گذشته خود نا آشنا هستند. این موضوع تا حدی به علت دلمشغولی بیش از اندازه آنان با زندگی مدرن و نیز به سبب این باور است که علوم نوین می‌تواند آنها را از همه رنج‌های این دوره برهاند. اگرچه این باور به آنها آرامشی زودگذر می‌دهد، اما اضطراب دائمی آنها مشهود است؛ چرا که آنها گذشته خود را فراموش کرده‌اند و تحت تأثیر فناوری پیشرفته و گفرا قرار دارند؛ بنابراین غافل از این حقیقت هستند که فرهنگ و گذشته می‌تواند راهنمای پیشرفت امروزه باشد. این مقاله تلاشی است اندک برای نشان دادن شوق مسلمانان قرون وسطی به تأسیس کتابخانه‌ها، محافظت از کتاب‌ها و عشق به دانش.

متصدیان کتابخانه‌های عمومی و خصوصی اسلامی در قرون وسطی،<sup>۱</sup> در ابتدا تلاش خود را معطوف دستیابی به کتاب‌های مذهبی و نسخ خطی نمودند. کتابخانه‌های عمومی مسلمانان به تدریج راهگشای شکل‌گیری کتابخانه‌های دانشگاهی شدند. مردم، چنین کتابخانه‌هایی را مراکز دانش تلقی می‌کردند؛ جایی که باور داشتند می‌توانند راه حل مشکلات سیاسی و اجتماعی را در آن بیابند. بعضی از بخش‌های جامعه مسلمانان، برای گسترش قابلیت ذهنیشان به کتابخانه‌ها متوسل شدند و در حیطه خود سرآمد و راهبر شدند. دیگران تا جایی پیش رفتند که معتقد بودند به طور کلی کتابخانه‌ها و کتاب‌ها به آنها آسودگی خاطر می‌دهند. این نظر، ضرب‌المثل شد و توسط بیشتر مسلمانان نقل می‌شد؛ برای مثال یک شعر فارسی چنین می‌گوید:

هرکس که در این جهان بُد از روز نخست  
آسایش خویش جست و این بود درست  
عاقل داند که جای آسایش را  
در کنج کتابخانه می‌باید جست<sup>۲</sup>

به طور کلی دانشمندان مسلمان سده‌های میانه، عمدتاً وابسته به کتابخانه‌ها بودند و آنها را خزانه (گنجینه ثروت) تلقی می‌کردند. در این دوره، آثاری از هنر، معماری، اخترشناسی، حقوق، زبان، ادبیات، پزشکی، موسیقی، داروشناسی، فلسفه و انبوهی از رساله‌های علمی به زبان‌های غربی ترجمه شدند؛ به خصوص، ابن‌خلدون عشق و علاقه<sup>۳</sup> مسلمانان ایرانی را برای یادگیری با شوق زیاد تصدیق کرده است.

در سراسر قرون وسطی، کتابخانه‌های اسلامی نقش بزرگی در پیشرفت مدرسه‌ها ایفا کردند. کتابخانه‌ها چندین اتاق هم‌جوار داشتند که به عنوان مدرسه برای کودکان روستایی به کار می‌رفتند. کودکان در طی

۱. قرون میانه یا وسطی با شورای چالسدون یا شورای کلیسایی که در سال ۴۵۱ میلادی تشکیل شد، آغاز گشت و با ورود ادبیات غرب در قرن پانزدهم پایان یافت. این تاریخ‌ها کم‌وبیش با قدرت ربه افول اروپای غربی در سال ۴۷۶ میلادی و لشکرکشی شارل هشتم، پادشاه فرانسه (۱۴۹۴-۱۴۹۶) به ایتالیا، هم‌زمان است. طی این دوران، فرهنگ، هنر و معماری اسلامی به اوج خود رسید.

۲. این شعر را استاد بدیع الزمان فروزانفر سروده است.

## مقاله

# کتابخانه‌های اسلام قرون وسطی در آثار شرق‌شناسان

ابراهیم پورهادی

ترجمه: دکتر حمید رضا جمال مهمون	مهدیه چیت ساز	مریم درخشان
استادیار گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه تربیت معلم	دانشجوی کارشناسی کتابداری، دانشگاه تربیت معلم تهران	دانشجوی کارشناسی کتابداری، دانشگاه تربیت معلم تهران

چکیده: کتابخانه‌های اسلامی در طول قرون وسطی کمک زیادی به حفظ کتاب‌ها، پیشبرد دانش و تشویق نوع بشر به آگاهی از ارزش مطالعه و دانش نمودند. نویسندگان در مقاله حاضر سعی دارند شوق مسلمانان قرون وسطی را به تأسیس کتابخانه و محافظت از کتب، به تصویر کشند. در این راستا، بر اساس منابع قابل دسترس در کتابخانه‌های سراسر دنیا، به دنبال یافتن پاسخ به مجموعه‌ای از پرسش‌ها درباره شناخت کتابخانه‌های اسلامی قرون وسطی در تعدادی از شهرها و کشورهای معروف از قبیل حلب، بغداد، قاهره و... هستند. سؤالاتی از قبیل اینکه کتابخانه‌ها چه وقت و در کجا رونق گرفتند، چه کسانی مالک آن‌ها بوده یا آن‌ها را تأسیس کردند، چرا تأسیس شدند و چگونه نگهداری و اداره می‌شدند، چگونه و توسط چه کسانی مورد استفاده قرار می‌گرفتند، دسته‌بندی و میزان منابع آن‌ها چگونه بود و سرانجام چه بر سرشان آمد.

واژگان کلیدی: کتابخانه‌های اسلامی، کتابخانه‌های قرون وسطی، معرفی کتابخانه، دانش مسلمانان.

(۵۰۷ق/۱۱۳م). این مؤسسه، یک نهاد شیعی بود که برای آموزش آیین شیعه از آن حمایت می‌شد و کتابخانه قابل توجهی برای استفاده عموم مردم داشت.<sup>۶</sup>

### ج) مسجد جامع

روث مکسنسن<sup>۷</sup> نقل می‌کند: کتابخانه‌ای به عنوان وقف، به مسجد جامع واگذار شد. زمانی که شهر در سال ۵۷۸ق/۱۱۸۳م فتح شد، فاتح آن به مسعودی بندهی اجازه داد هر کتابی را که وی مایل است از کتابخانه ببرد و به وقف دست‌اندازی کند.<sup>۸</sup>

طبق گفتهٔ احمد رفاعی، صلاح‌الدین، به محبوب خود، محمدبن عبدالرحمان ابوسعید فقیه شافعی اجازه داد هر میزان که مایل است از کتابخانه حلب، کتاب بردارد. او کتاب‌های زیادی که متعلق به خود او بود، وقف خانقاه سومیسطی در حلب کرد.<sup>۹</sup>

### د) ابن ظفر

رفاعی بیان می‌کند محمدبن ابی محمد حقیقت‌الدین معروف به ابن ظفر صکلی المکی النحوی، برای زندگی در مدرسه ابن ابی عصرون از مصر به حلب آمد. وی کتابخانه بزرگی داشت که طی جنگی به غنیمت گرفته شد.<sup>۱۰</sup>

### ه) شاهزاده‌های حمدانی

پینتو بیان می‌کند شاهزاده حمدانی در قرن چهارم هجری (دهم میلادی) کتابخانه‌ای تأسیس کرده بود. گفته شده این کتابخانه عمومی دارای آثار بسیاری به خط نسخ و نیز خط کوفی بوده است.<sup>۱۱</sup> راهنمای کتابخانه‌ها و کتابداران اسلامی که توسط محمد ا. س. خان<sup>۱۲</sup> تألیف شده، هیچ کتابخانه شخصی مهمی را در حلب در بر ندارد.<sup>۱۳</sup>

### ۲. آلمریا<sup>۱۴</sup>

#### ابوجعفر بن عباس

جولیان ریبسرا تاراگو<sup>۱۵</sup> بیان می‌کند: ابوجعفر بن عباس، وزیر شاه زهیر

فصل طولانی زمستان، زمانی که نیاز نبود در مزرعه‌ها پاپه پای والدین خود کار کنند، تعلیم می‌دیدند.

رقابت بین کتابخانه‌ها برای به دست آوردن کتاب‌های بیشتر، آنقدر زیاد بود که آنها در پی کمک به شاعران برای سرودن اشعاری در مدح پادشاهان وقت بودند تا از این طریق بتوانند پول زیادی برای خرید کتاب‌های کتابخانه‌های خاص خود به دست آورند. شهرها و کشورهای که در قرون وسطی دارای کتابخانه‌های معروف بودند، عبارتند از:

۱. حلب	۲. آلمریا	۳. باداخوس	۴. بغداد
۵. بصره	۶. بخارا	۷. قاهره	۸. قرطبه
۹. دمشق	۱۰. فاس	۱۱. فیروزآباد	۱۲. فسطاط
۱۳. غزنه	۱۴. قرناطه	۱۵. همدان	۱۶. اصفهان
۱۷. مراغه	۱۸. مرو	۱۹. موصل	۲۰. نیشابور
۲۱. قزوین	۲۲. رامهرمز	۲۳. ری	۲۴. ساراگوسا
۲۵. اشبیلیه	۲۶. شیراز	۲۷. طلیطله	۲۸. طرابلس
۲۹. تونس	۳۰. صور	۳۱. بلنسیه (والنسیا)	۳۲. یمن

این مقاله مجموعه‌ای است که از منابع بی‌شمار قابل دسترس در کتابخانه‌های سراسر دنیا گردآوری شده است. روش استفاده شده، پاسخ به مجموعه‌ای از پرسش‌ها دربارهٔ شناخت کتابخانه‌های اسلامی قرون وسطی در مکان‌های اشاره شده در بالاست: درباره اینکه چه وقت و در کجا رونق گرفتند، چه کسانی مالک آنها بوده یا آنها را تأسیس کردند، چرا تأسیس شدند و چگونه نگهداری و اداره می‌شدند، چگونه و توسط چه کسانی مورد استفاده قرار می‌گرفتند، دسته‌بندی و میزان منابع آنها چگونه بود، سرانجام چه بر سرشان آمد و کجا پاسخ این پرسش‌ها را می‌توان یافت.

### ۱. حلب

#### الف) ابوالحسن علی قفطی

طبق گفته آلگا پینتو،<sup>۳</sup> ابوالحسن علی قفطی (۴۶۴ق/۱۲۴۸م) که همچنین به عنوان قاضی الاکرم، وزیر ابویوبیان شناخته می‌شود، در حلب، کتابخانه شخصی باشکوهی به ارزش ۵۰،۰۰۰ دینار داشت که به النصیر، حاکم آن شهر واگذار کرد.<sup>۴</sup> وی بعد از خرید کتابی، آن را در کتابخانه‌اش قرارداد و رشک‌ورزیدن به خزانه‌اش باعث شد آن را به هیچ کس نشان ندهد. کتابخانه وی غنی از شاهکارهایی از خوشنویسی و دست‌نوشته‌های اصلی نویسندگان بود.<sup>۵</sup>

### ب) دارالدعوه

دارالدعوه مؤسسه‌ای مذهبی بود که امیر فخرالملک آن را تأسیس کرد

6. Johns Pedersen, "Masjid", *Encyclopedia of Islam*, A Dictionary of Geography, Ethnography, and Biography of the Muhammadan Peoples (Leiden: E. J. Brill, 1936, pp. 315-89), p. 353. This article includes an excellent bibliography by F. Wustenfeld.

7. Ruth Mackensen.

8. Ruth Mackensen, "Moslem libraries and sectarian propaganda," *The American Journal of Semitic Languages and Literatures*, vol. LI, no. 2 (Jan. 1935).

ترجمه این اثر در آینه پژوهش (خرداد و تیر ۱۳۸۰) منتشر شده است

9. Ahmet Rufa'i, *Über die Bibliophilie im Alteren Islam* (Istanbul, 1935), p. 13. (Reference to Yāqūt, IV, 7, p. 20).

10. *ibid.*

11. Pinto, "Le Biblioteche..." p. 151.

مؤلف این اثر درمزه کتابخانه‌های عمومی آورده است.

12. Muhammad A.S. Khan.

۱۳. این واژه‌نامه را انجمن کتابداری اسلامی پاکستان در حیدرآباد در سال ۱۹۸۳ منتشر کرده است.

۱۴. المرینا (المریه) پایتخت استان شرقی اندلس، پادشاهی پیشین گرانادا بود.

15. Julian Ribera Tarrago.

3. Olga Pinto.

4. Olga Pinto, "Le biblioteche degli Arabi Nell'eta degli Abbasidi," in *La Bibliofila*, vol. 30 (2928), p. 145.

5. Quatremere, "Memoire sur le gout des Livres chez les Orientaux," in *Journal Asiatique*, II series, 6 (1938), pp. 68-90.

### ج) البیکانی

طبق گفته‌ی آدام میز،<sup>۲۳</sup> البیکانی دانشمند بغدادی، کتابخانه‌ای داشت که در زمان مرگش در ۴۲۵ ق/ ۱۰۳۳ م برای انتقالش ۶۳ سبد و دو صندوق لازم بود.<sup>۲۴</sup>

### د) فرمانده نظامی

یکی از نظامیان عالی‌رتبه بغداد که در سال ۳۱۲ ق/ ۹۲۴ م فوت کرد، کتاب‌هایی از خود به جا گذاشت که بیش از دو هزار دینار ارزش داشتند.<sup>۲۵</sup>

### ه) دارالعلم شاپورین اردشیر

این کتابخانه عمومی توسط آل بویه، وزیر نصر شاپورین اردشیر (وفات ۴۱۸ ق/ ۱۰۲۵ م) در سال ۹۹۱ ق/ ۳۸۱ م یا در ۹۹۳ ق/ ۳۸۳ م در خیابانی که بین السورین نام داشت، در محله کرخ شهر تأسیس شد. به سبب وسعت و زیبایی‌اش توسط نویسندگان زیادی تجلیل شد و چنین نقل شده است که بیش از صد هزار جلد اثر به خط بهترین خوشنویس‌ها را شامل شده است. با مرگ بنیانگذار آن، کتابخانه باقی‌مانده در سال ۴۰۱ ق/ ۱۰۵۹ م توسط سربازان طغرل غارت شد و سوخت.<sup>۲۶</sup> معدود کتاب‌های باقیمانده به کتابخانه شخصی وزیر طغرل، عمیدالملک کندری منتقل شد.<sup>۲۷</sup>

مکنسن بهترین اطلاعات ممکن را که تا کنون دیده‌ام، درباره‌ی این نهاد ارائه کرده است. دارالعلم شاپوریکی از مراکز مهم حیات فرهنگی و ادبی در بغداد بود. در میان استفاده‌کنندگان آن شاعرانینای اهل سوریه، ابوالعلامری نیز وجود داشت. گفته می‌شود این کتابخانه ۱۰۴۰۰ کتاب در موضوعات گوناگون را دربر داشته است؛ از جمله صد نسخه قرآن به خط بنومقله که هنوز روشن نیست چه کسی بوده است.

کتابخانه احتمالاً ساختمان جداگانه‌ای داشته است. این مؤسسه وقف شده بود. در بین متصدیان آن عبدالسلام متخصص نحو و جغرافیدان، ابومنصور مرتضی و ابن حماد بودند که دوفراخری‌ها هم خدمت می‌کردند.<sup>۲۸</sup>

به نظر می‌رسد فعالیت‌های مدرسه بیشتر شامل فعالیت‌های ادبی و فلسفی بوده است تا فعالیت‌های علمی. طبق گفته میز، کتابخانه

و مردی ثروتمند در فاصله‌ی سال‌های (۴۱۹-۴۲۹ ق/ ۱۰۲۸-۱۰۳۸ م، با پیشنهاد سه برابر قیمت رایج آن زمان، بالغ بر ۴۰۰۰۰ جلد کتاب کامل را گردآوری نمود که این آمار جدای از اوراق بی‌شمار و جزوه‌های صحافی نشده بود که وی گردآورده بود.<sup>۱۶</sup>

### ۳. باداخوس<sup>۱۷</sup>

#### افطاسده المظفر

افطاسده المظفر نام کتابخانه المظفر (۴۴۷-۴۳۷ ق/ ۱۰۴۵-۱۰۵۵ م؛ ۴۶۰ ق/ ۱۰۶۸ م) از سلسله بنو افضس و یکی از ملوک الطوائف بود. وی مؤلف دایره‌المعارفی پنجاه جلدی بود که به همه علوم از جنگ و سیاست گرفته تا تاریخ و افسانه و همچنین انواع ادبی می‌پرداخت و همه آن از کتابخانه بزرگ منتخبی گرفته شده بود که وی خودش گردآوری کرده بود.<sup>۱۸</sup>

طبق گفته‌ی سلینگسون،<sup>۱۹</sup> ابومحمد بن عبدالله مظفر، دومین حکمران سلسله افطاسید، خود را با عشق عظیمش به ادبیات عرب متمایز کرد. وی اثری نسبتاً حجیم درباره‌ی ادب نوشت که مظفری نام دارد.<sup>۲۰</sup>

### ۴. بغداد

#### الف) ابوحیان توحیدی

یاقوت حموی از عالم پیری به نام ابوحیان توحیدی می‌گوید که وی، کمی قبل از مرگش (قدری پیش از ۶۲۱ ق/ ۱۲۲۴ م) به سبب رنجش از عدم توجه ساکنان بغداد، کتاب‌هایش را سوزاند.<sup>۲۱</sup>

#### ب) دارالعلم شریف رضی

مکنسن نقل می‌کند: شریف رضی عالم بزرگ شیعه و گردآورنده نهج البلاغه (۳۵۹-۴۰۷ ق/ ۹۷۰-۱۰۱۶ م) مدرسه‌ای شبیه شاپورین اردشیر که هم دوره‌ی وی بود، تأسیس کرد.<sup>۲۲</sup>

16. Julian Tibera Tarrago (1858-1934), *Bibliofilos y Bibliotecas en la Espana Musulmana, Zaragoza tipografia de la Derecha*, 1896; Eduard Karl mark Von Zambaur, 1866-1947, *Manuel de Genealogie et de chronologie pour l'Histoire de l'Islam*, p. 56 (This book is held at Biblioteque Nationale, France); C. F. Seybold, "Le Siege d'Almeria en 709." *Encyclopedia of Islam* (1913 ed.) pp. 313-14 (This is also published in the R. Basset's bibliography "Le siege d' Almeria en 709.").

۱۷. باداخوس (به عربی: بطخوص) بزرگ‌ترین استان اسپانیا در دوران بزرگی اسلام بود.

18. Ribera. *Bibliofilos...*, pp. 44-50.

19. Seligsohn.

20. M. Seligsohn, "Aftasides," *Encyclopedia of Islam*; Bibliography Hoogvliet, Specimen et bitt. Orient ... de R. Aftasidarum Familia (Leyden, 1839); Dozy, Recherches sur l'Histoire et bitter de l'Espagne, 1<sup>st</sup> ed. 1/156 ed seg; idem. *Histoire des Musulmanas d'Espagne*, IV, 14 et seg; M.R. Martinez y Martinez, *Historia del reino de Badagoz*, p. 99.

21. Ruth Mackensen, "Four Great Libraries of Medieval Baghdad," *The Library Quarterly*, vol. 11, no. 1, p. 280. . منتشر شده است. (آذر و اسفند ۱۳۸۰)

22. Ruth Mackensen, "Background of History of Muslim Libraries," *The American Journal of Semitic Languages and Literatures*, vol. LI, no. 2 (Jan. 1935), pt. 1, p. 124.

ترجمه این اثر در آینه پژوهش (آذر و دی ۱۳۷۹) منتشر شده است.

23. Adam Mez.

24. Adam Mez, *masiance of Islam*, trans. (1935), p. 174. The original book is *Die Renaissance des Islam*, Heidelberg: Carl Winters Universitatsbuchhandlung, 1922.

25. Mez, *ibied*. Mez does not name him, but gives references to Suli Arib. .p.121.

۲۶. پینتو، به اشتباه، تاریخ غارت و سوزاندن را ۴۰۱ ق (یا ۴۵۱ هجری ذکر کرده که چندان منطقی نیست. اشتباه وی به ترجمه کرنکو (Krenkow) نیز راه یافته است. اگر غارت در ۴۰۱ ق بوده باشد، باید در دوران لشکرکشی دوم طغرل بیگ به بغداد در زمان شکست البساسیری بوده باشد که در دایره‌المعارف اسلام ۴۵۱ ق/ ۱۰۶۰ م ذکر شده است. مکنسن با استناد به منابع متعدد درباره تاریخ سوزاندن بحث نموده و به اشتباه از پینتو نقل قول کرده است (C.F. Four) (Great Libraries ... , pp. ۲۸۸-۸۹)

27. Pinto, "Le Bibliothoeche ...," pp. 150-51.

28. Mackensen, "Four Great Libraries ...," pp. 288-93.

دوستدار کتاب ممکن است آرزو کند: در سن ۹۰ سالگی در حد ۲۵۵، پیرو ناتوان در زیر آوار انبوهی از کتاب‌ها جان باخت.<sup>۳۶</sup> و وی مؤلف رساله فی مدح الکتب والبعث الی جمعها بود (نوشته‌ای مدح و ستایش کتاب‌ها و ترغیب در گردآوری آنها).<sup>۳۸</sup>

### ک) خطیب بغدادی

فیلیپ هیتی<sup>۳۹</sup> نقل می‌کند: خطیب بغدادی (۳۹۵-۴۶۴ ق/ ۱۰۷۱-۱۰۰۲ م)، وصیت کرد کتاب‌هایش وقف مسلمانان شود. آنها در خانه یکی از دوستان وی جای گرفتند.<sup>۴۰</sup>

### ل) خزانه الحکمه

خزانه الحکمه را علی بن یحیی منجم (و. ۲۷۵ ق/ ۸۸۸ م) در روستای کرکرنزدیک کوفس در همسایگی بغداد ساخت. این کتابخانه اگرچه شخصی بود، اما به روی همه خوانندگان باز بود. در سراسر جهان عرب آن را می‌شناختند و علمایی از راه‌های دور نزدیک رابه خود جذب می‌کرد.<sup>۴۱</sup>

### م) دارالعلم مأمون یا بیت الحکمه

کتابخانه‌ای وجود داشت که به مدرسه بزرگی ملحق بود و توسط هارون (حک. ۱۹۴-۱۷۰ ق/ ۷۸۶-۸۰۹ م) یا مأمون آن را تأسیس کرده بود. این کتابخانه، بدون شک اولین کتابخانه عمومی در اسلام، و نمونه نخستین سایر کتابخانه‌های مشابه در بغداد و دیگر نقاط سرزمین اسلام بود. مکنسن نیز مانند دیگران بیان می‌کند: این احتمالاً اولین کتابخانه بزرگ بغداد بوده است. این کتابخانه تا زمانی که مغول‌ها در سال ۶۵۶ ق/ ۱۲۵۸ م این شهر را غارت کردند، شکوفا بود.<sup>۴۲</sup>

### ن) کتاب‌های پیروان مانی

گزارش می‌شود که چهارده کیسه از کتاب‌های بدعت‌آمیز و نقاشی‌های مانی در سال ۳۱۱ ق/ ۹۲۳ م در قسمت ورودی عمومی قلعه‌ای در بغداد سوزانده شده است.

### س) محلبی

محبلی (و. ۹۶۳ م) وزیری که دارایی وی در زمان مرگش، با فرومایگی توسط فرمانروای بویه، معزالدوله مصادره شد، کتابخانه‌ای داشت که وزیر وی ابن مسکویه (۴۲۱ ق/ ۱۰۳۰ م) فیلسوف و حکیم آن را اداره می‌کرد.<sup>۴۳</sup>

۱۰۴۰۰ جلد، عمدتاً دست‌نوشته‌های مؤلفان را دربرداشته است. مدیریت آن به دست دو مدیر عالی و یک قاضی بود.<sup>۲۹</sup>

### و) الفتح بن خاقان

پینتو بیان می‌کند فتح بن خاقان وزیر خلیفه متوکل (حک. ۲۳۲-۲۴۵ هـ/ ۸۴۷-۸۶۱ م) احتمالاً کتابخانه‌ای در بغداد داشته است. این کتابخانه توسط علی بن یحیی منجم برای وی گردآوری و مرتب شده بود (وفات ۲۷۵ ق/ ۸۸۸ م). فتح که عاشق همه نوع کتابی بود، همیشه حتی در مستراح کتابی همراه خودش داشت.<sup>۳۰</sup> طبق گفته مکنسن، فتح، کتابخانه‌اش را «خزینة الحکمه» نامید.<sup>۳۱</sup>

### ح) غرس النعمه

غرس النعمه (قرن پنجم هجری / یازدهم میلادی) مورخ خاندان مشهور علمی الصابی، کتابخانه کوچکی با چهارصد جلد منتخب داشت که در حدود ۴۵۹ ق/ ۱۰۶۷ م زمانی که مدرسه نظامیه تأسیس شده بود، آن را فروخت.<sup>۳۲</sup> الصفدی همچنین در سرگذشتنامه غرس النعمه الصابی بیان می‌کند که: وی در بغداد، کتابخانه‌ای با حدود سیصد جلد برای استفاده محصلان تأسیس کرد که این کتابخانه بی‌شمارانه مورد سرقت کتابداران قرار گرفت.<sup>۳۳</sup>

### ط) ابن علقمی

طبق گفته آدولف گروهمن،<sup>۳۴</sup> ابن علقمی (و. ۶۵۶ ق/ ۱۲۵۸ م) آخرین وزیر عباسی، کتابخانه‌ای شخصی با حدود ده هزار جلد داشت که به همراه دیگر کتابخانه‌های بغداد، قبل از حمله مغول‌ها از دست رفت. برخی کتابخانه‌ها ویران شدند، بعضی‌ها سوختند و برخی دیگر به آب ریخته شدند.<sup>۳۵</sup> علقمی شیعه بود و بعدها به وزیری هلاکو منصوب شد.

### ی) جاحظ

طبق گفته پینتو، جاحظ (و. ۲۵۵ ق/ ۸۶۸ م) که شاید بیشتر به عنوان دوستدار کتاب معروف باشد تا مالک یک کتابخانه شخصی، هر چیزی که به دستش می‌رسید، مطالعه می‌کرد و حتی کتابفروشی را طوری مرتب و منظم کرده بود که به موجب آن توانست روزهای رابی وقفه به خواندن کتاب‌های موجود سپری کند. پایان کاروی احتمالاً این حکایت ساختگی باشد) همه آن چیزی بود که یک

36. Pinto, "Le Bibliothéche ...", p.144.

37. "Djahiz," (Al-Jahiz, Abu 'Uthman 'Amr B. Bahr) *Encyclopedia of Islam* (1913 ed.) pp.1000-1.

38. Published and translated in Rufa 'I, *Über die Bibliophilie...*

39 Philip Hitti

40. K. Philip Hitti, *History of the Arabs from the Earliest Times to the Present*, 1<sup>st</sup>. ed. (London: Macmillan and Co., 1937), p.413-34 - Mackensen, "Background ..", pt. 1, p.125.

41. See "Ibn Miskawayh," *Encyclopedia of Islam*, except for the date of his death, which is given by Pinto in his "Le Bibliothéche ...", p. 146.

42. Pinto "Le Bibliothéche ...", p.146.

43. *ibid.*, p. 157.

29. Mez, Renaissance ... (trans.) p. 178.

30. Pinto, "Le Biblioteque ..", pp. 143-44.

31. Mackensen, "Background ...", pt. 1, p. 125.

32. Pinto, "Le Bibiotheche ...", pp. 144-45.

33. Heffening. "Kitabhkhana," *Encyclopedia of Islam*, 1927 ed., pp. 1045-47 (included bibliography).

34. Adolf Grohmann.

35. Adolf Grihmann, "Bibiotheeken und Bibliophilen im Islamischen Orient," in *Nationalbibliothek Festschrift der Nationalbibiothek in Wien* (1926), pp. 438-39.

## ع) معزالدوله

پینتویان می‌کند: معزالدوله ابوالحسن احمد (حک. ۳۵۶-۳۲۰ ق / ۹۳۲-۹۶۷ م) اولین حکمران آل بویه بود که عنوان امیرالامرا را گرفت و صاحب یک کتابخانه بود.<sup>۴۴</sup>

## ف) مستنصریه

کتابخانه مدرسه مستنصریه در سال ۶۳۱ ق / ۱۲۳۳ م توسط آخرین خلیفه عباسی، مستنصر تاسیس شد و احتمالاً توسط مغولان تحت فرمان هلاکوخان در سال ۶۵۶ ق / ۱۲۵۸ م نابود شد. مورخ ابن ساعی (و. ۶۷۴ ق / ۱۲۷۵ م) رئیس آن بود.<sup>۴۵</sup>

کرنکو<sup>۴۶</sup> بیان می‌کند: «اگرچه کتاب‌های زیادی، مطمئناً در غارت بغداد نابود شد، کتابخانه مستنصریه برای بیش از یک قرن باقی ماند. در سرگذشتنامه ابن الفوتی که در لغت العرب (بغداد) جلد ۶، صفحات ۶۴۷-۶۴۹ منتشر کرده‌ام، به روشنی بیان می‌شود که ابن فوتی برای سالیان زیادی کتابدار آنجا بوده است.<sup>۴۷</sup>

## ص) معتدی

خلیفه معتدی (حک. ۱۲۸-۱۹۸ ق / ۸۹۲-۹۰۲ م) یک مجموعه کتاب داشت؛ اما، ما چیزی بیش از این درباره آن نمی‌دانیم.<sup>۴۸</sup>

## ق) نظامیه

نظام الملک کتابخانه‌ای که به مدرسه نظامیه ملحق بود، در سال ۴۵۷ ق / ۱۰۶۴ م، یعنی زمانی که وزیر آلپ ارسلان بود، تأسیس کرد.<sup>۴۹</sup> مدرسه آن در سال ۴۵۹ ق / ۱۰۶۷ م بازگشایی شد.<sup>۵۰</sup>

## ر) صولی، شطرنج باز

ابوبکر محمد بن یحیی صولی، شطرنج باز و مورخ و تاریخ‌نویس، ادیب و درباری عرب (و. ۳۳۵ / ۳۳۶ ق / ۹۴۶ م)، صاحب کتابخانه‌ای شخصی بود که اشعار طعنه‌آمیز مشهوری درباره آن سروده شده است.<sup>۵۱</sup>

## ش) واقدی

طبق گفته براون،<sup>۵۲</sup> عبدالله محمد بن عمرو واقدی (۱۳۰-۲۰۷ ق / ۷۴۶-۸۲۳ م) تاریخ‌نویس عرب، در مدینه متولد شد و ششصد مجموعه بزرگ شطرنج به جا گذاشت. وی خلیفه، مأمون را وصی خود تعیین کرده بود و خلیفه، پس از مرگ واقدی، شخصاً وظایف وی را انجام می‌داد.<sup>۵۳</sup>

## ت) آرامگاه زیدیه

در زمان مرگ یاقوت جغرافیدان (۶۲۶ ق / ۱۲۲۹ م)، کتاب‌های وی با عنوان وقف، به معبد زیدی که مسجدی در خیابان دینار در بغداد بود، واگذار شد.<sup>۵۴</sup>

در قرن هفتم هجری (سیزده میلادی) ۳۶ کتابخانه در بغداد وجود داشت که همه آنها بدون شک زمانی که هلاکوخان به شهر وارد شد، در سال ۶۵۶ ق / ۱۲۵۸ م نابود شدند.<sup>۵۵</sup>

طبق راهنمای کتابخانه‌ها و کتابداران اسلامی، از تاریخ ۱۹۸۳ م، عراق تقریباً ۴۵ کتابخانه ملی، عمومی، سازمانی و خصوصی در سراسر کشور با حدود پنج میلیون کتاب و در حدود ۲۵۰۰۰ نسخه خطی و کتاب‌های کمیاب داشت. صورت‌های فوق شامل روزنامه‌ها و مجلات نمی‌شد. از ۴۵ کتابخانه، نه موجودی شش کتابخانه سازمانی ارائه شده است و نه از هیچ کتابخانه مهم شخصی در راهنمای کتابخانه‌ها و کتابداران اسلامی گزارش شده است.

## ۵. بصره

## الف) حبشی پسر معزالدوله

طبق گفته مزهفده هزار جلد کتاب در سال ۳۵۷ ق / ۹۶۷ م که از متعلقات پسر سرکش امیر بغداد بود، مصادره شد.<sup>۵۶</sup>

گروهمن می‌نویسد: پسر معزالدوله کتابخانه‌ای در بصره با حدود پانزده هزار جلد کتاب، به علاوه انبوهی جزوه و آثار نامحدود داشت که در سال ۳۵۷ ق / ۹۶۷-۶۸ م مصادره شد.<sup>۵۷</sup>

(Beirut: Librairie du Liban), p. 54. The latter contains very good biographies of those in charge of libraries).

52. Brown.

53. Edward G. Browne, A Literary History of Persia (4 vols. Cambridge University Press, 1951), vol. 1 p. 277; J. Horowitz, "Al-Wakidi," *Encyclopedia of Islam* (1934 ed.), pp. 1104-5; Ibn Said, v. 321 (This source is held at Cairo Library only).

54. Mackensen, "Four great libraries..." p. 280.

55. Pinto, "Le bibliotheche..." p. 151.

56. Mez, Renaissance... p. 174. Mez does not name this son, but gives two references: Misk., VI p. 314; and 'Izz al-Din Ibn al-Athir (1160-1233), al-Kamil fi al-Tarikh (13 vol., Editeurs Dar Sader dar Beyrouth, 1965), vol. VIII, p. 4431.

این منبع آخر، اثر جامعی درباره مسلمانان و دستاوردهای ادبی آنان است.

57. Grohmann, "bibliothechen..." p. 438.

44. Olga Pinto, "The Libraries of the Arabs During the Time of the "Abbasids," trans. (from Italian) by F. Krenkow, in *Islamic Culture*, v. III (1929), p. 223, n. 1. Krenkow has added some material and a few critical remarks in footnotes.

45. Ibn al-Nadim Muhammad ibn Ishaq, al-Fihrist, ed. And trans. Bayard Dodge (New York: Columbia University Press, 1970), p. 61.

46. Krenkow.

47. Grohmann, "Bibliotheken..." p. 432.

48. Pinto, "Le Bibliotheche..." p. 151.

49. "Nizam al-Mulk," *Encyclopedia of Islam* (1927 ed.), pp. 932-936 (Comments by Harold Bowen).

50. Hiiti, History... p. 411. Additional bibliography includes: R. Levy, "The Nizamiyah Madrasah," *Journal of the Royal Asiatic Society*, LIX (London: April 1928), p. 270; Heinrich Ferdinand Wustenfeld (1808-90), *Die Akademien der Araber und ihre Lehrer* (Osna-bruck: O. Zeller, 1970), p. 280 ff.; J. Ribera, "Origen del Colegio Nidami de Baghdad," in *Estudios de Eriducion Oriental*, Homenaje D. Francisco Codera, Zaragoza, 1904.

51. Lgn. Kratschkovsky, "al-Suli," *Encyclopedia of Islam* (1934 ed.), pp. 541-543; Ibn Khallikan (1211-82), Ibn Khallikan *Biographical Dictionary*, ed. Wustenfeld, 4 vols.

افضل بن بدرجمالی (و. ۵۱۵ق / ۱۱۲۱م) شناخته شده است، اینکه وی ده هزار کتاب از پزشک یهودی (افرائیم) خریداری کرد تا آنها را در کشور نگهداری کند.<sup>۶۸</sup>

### ب) مسجد الاظهر

طبق گفته پینتو کتابخانه به مسجد الاظهر وابسته بود که خلیفه فاطمی، عزیز (حک. ۳۶۵-۳۸۶هـ / ۹۹۶-۹۷۵م) آن را تأسیس کرده بود.<sup>۶۹</sup>

ولرز<sup>۷۰</sup> می نویسد: عزیز بنیانگذار مسجد نبود، بلکه آن را به یک دانشسرا تبدیل کرد. مسجد در سال ۳۶۱ق / ۹۷۲م بنا شده بود. به نظر می رسد کتاب ها در رواق ها نگاه داشته می شدند. رواق در اینجا برای تقسیمات محققان به کار رفته است و این تقسیمات عمدتاً بر اساس تابعیت یا فرقه و به ندرت بر اساس وقف انجام می شد. بنا بر فهرست رسمی ۱۲۶۸ق / ۱۸۵۱م تعداد کامل آثار در رواق ها از هشت هزار تجاوز کرد و به حدود نوزده هزار رسید.<sup>۷۱</sup>

### ج) دارالعلم حکیم

طبق گفته پینتو کتابخانه وابسته به دارالعلم در سال ۳۹۵ق / ۱۰۰۴م توسط حاکم بامر الله تأسیس شد؛ با وجود این، این کتابخانه ظاهراً در طول زندگی پسروی نیز نگهداری می شد. زمانی که صلاح الدین قاهره را در سال ۵۶۷ق / ۱۱۷۱م گرفت، وی برخی از کتاب های آن را به وزیرش فاضل عبدالرحیم داد و بخشی را هم در حراج فروخت.<sup>۷۲</sup> این بودجه چنان که توسط مغریزی ارائه شده، از این قرار است:

حقوق کتابداران: ۴۸ دینار؛

حقوق خدمتکاران: ۵ دینار؛

برای حصیر بوریا: ۱۰ دینار؛

برای فرش های زمستانی: ۵ دینار؛

برای حصیرهای زمستانی: ۴ دینار؛

برای تعمیر (مرمت) پرده ها: ۱ دینار؛

برای آب: ۱۲ دینار؛

برای کاغذ، قلم و جوهر: ۹۰ دینار؛

برای استفاده کنندگان کتابخانه: ۱۲ دینار؛

برای مرمت کتاب ها: ۱۲ دینار؛

جمعاً: ۲۰۹ دینار.

### ب) مؤسسه ابن سوار

طبق گفته پینتو، این کتابخانه توسط ابن سوار تأسیس و برای عموم ایجاد شده بود.<sup>۵۸</sup> مینورسکی<sup>۵۹</sup> از شوارتز<sup>۶۰</sup> نقل قول می کند که ابن سوار، پسر سوار بن عبدالله (و. ۱۵۷ق / ۷۷۳م) حاکم بصره بوده است.<sup>۶۱</sup> طبق گفته گروه بنیانگذاران، پیک عضدالدوله (و. ۳۷۲ق / ۹۸۲م) نامیده می شد.<sup>۶۲</sup>

### ج) کتابخانه شهر

مکنسن از حریری نقل قول می کند که در دومین مقامه (مقامات حریری) می گوید: «من یک بار در کتابخانه شهر بصره حضور داشتم که تالار مجمع فرهنگی، محل ملاقات ساکنان و غریبه هاست؛ و سخن خود را با بیانی از گروهی از اُدبا ادامه می دهد که آنجا برای مباحث شاعرانه گرد آمدند. راهی وجود ندارد که مطمئن شویم آیا کتابخانه توصیف شده توسط حریری همان کتابخانه ابن سوار است<sup>۶۳</sup> که گفته اند در شورش بادیه نشینان در سال ۴۸۳ق / ۱۰۹۰م سوخته است یا خیر.<sup>۶۴</sup>

### ۶. بخارا

#### نوح بن منصور دوم

پینتو نقل قول می کند که نوح بن منصور فرمانروای سامانی کتابخانه ای داشت که ابن سینا اجازه بازدید و استفاده از آن را داشت و بعدها کتابدار آن شد. وی به اشتباه به سوزاندن آن متهم شد.<sup>۶۵</sup> در اینجا شرحی از ابوعلی سینا درباره خزانه است:

من آنجا اتاق های زیادی با کتاب های بایگانی شده یافتیم که ردیف به ردیف مرتب شده بودند. یک اتاق به آثار شعرو زبان عربی اختصاص داشت، دیگری به فلسفه، فقه و (نظیر آن) کتاب های هر علم خاص، اتاقی برای خودشان داشتند. من فهرست مؤلفان یونان باستان را جستجو کردم و کتاب هایی که نیاز داشتم، جستجو نمودم. من در این مجموعه، کتاب هایی دیدم که افراد کمی حتی اسامی آنها را شنیده اند و من خودم هرگز هیچ کدام از آنها را قبل یا پس از آن ندیده ام.<sup>۶۶</sup>

### ۷. قاهره

#### الف) افضل

میرهف<sup>۶۷</sup> بیان می کند: تنها چیزی که درباره کتابخانه وزیر

68. Max Meyerhof, "Über Einige Privat Bibliotheken," p. 288.

در قاهره در نیمه دوم قرن ۵ پنجم (یازدهم میلادی) پزشکی یهودی به نام افرائیم بن زهران کتابخانه ای داشت که در حوزه پزشکی و دیگر علوم غنی بود. گفته شده زمانی که عراقی برای خرید ده هزار جلد از کتاب های افرائیم آمد، وزیر فضل با خبر شد و خود کتاب ها را به بهای مورد توافق خرید تا اجازه ندهد کتاب ها از مصر خارج شود. افرائیم پس از مرگ بیست هزار کتاب از خود به جا گذاشت (Meyerhof, "Über Einige...").

69. Pinto "Le Bibliothéche . . ." p. 152.

70. Vullers

71. K. Vullers, "Azhar" (Jami' al-Azhar) *Encyclopedia of Islam* (1913 ed.), pp. 532-539.

72. Pinto "Le Bibliothéche . . ." p. 152.

58. Pinto "Le Binbliothéche . . ." p. 151.

59. Minorosky.

60. Schwartz.

61. V. Minorosky, "Ram-Hormuz," *Encyclopedia of Islam* (1936 ed.), pp. 1114-15.

62. Grohmann, "Bibliotheken . . ." p. 441.

63. Mackensen, "Muslim Libraries . . ." p. 89.

64. Pinto "Le bibliothéche . . ." p. 151.

65. Pinto "Le bibliothéche . . ." p. 152.

66. Ibn-Sina, " (Abu 'Ali al-Husayn Ibn 'Abd Allah) *Encyclopedia of Islam* (1936 ed.), pp. 419-20.

67. Meyerhof.

**ه) ابن مظفر**

ابن مظفر، نصر بن محمود معرف، شاعر، فیلسوف و پزشک اهل قاهره، تالار بزرگی پراز کتاب داشت. وی عادت داشت در میان هزاران کتاب از موضوعات مختلف بنشیند، مطالعه و نسخه برداری کند.<sup>۷۸</sup>

**و) مدرسه محمودیه**

هفنینگ<sup>۷۹</sup> گزارش می‌دهد: مدرسه محمودیه که در سال ۷۹۷ق/ ۱۳۹۵م تأسیس شد، کتابخانه‌ای داشت که بنیانگذار آن استاد جمال‌الدین محمود بن علی (و. ۷۹۹ق/ ۱۳۹۷م) در وصیت خویش استفاده از متعلقات آن را محدود کرده بود؛ با وجود این در سال ۸۲۶ق/ ۱۴۲۳م زمانی که فهرست موجودی تهیه شد، پی بردند یک دهم کتاب‌ها، در حدود چهارصد جلد کتاب از آن مفقود شده است که در نتیجه آن، رئیس مسجد عزل شد.<sup>۸۰</sup>

در مدرسه محمودیه که بیرون از قاهره قرار گرفته بود، کتابخانه‌ای وجود داشت که محمود آن را وقف کرده بود؛ با این شرط که هیچ کتابی به بیرون امانت داده نشود. این مجموعه را قاضی برهان‌الدین ابن جامعه (جماعه) ساخته بود.<sup>۸۱</sup>

**ز) مارستان**

گروهمن از ابن طویر نقل می‌کند که می‌گوید کتابخانه فاطمی به اتاقی در مارستان آورده شد. کتاب‌ها در صندوق‌هایی دورتادور دیوارهای اتاق‌های بزرگی نگهداری می‌شدند. صندوق‌ها، با قفسه‌هایی تقسیم‌بندی شدند که هر یک قفل داشتند. فهرستی به هربخش ضمیمه بود که فهرست کتاب‌های موجود را به همراه قسمت‌های خالی ارائه می‌کرد.

**ح) کتابخانه فلاوون مارستان**

کتابخانه بسیار خوبی در بیمارستانی بود که در سال ۶۸۳ق/ ۱۲۸۴م توسط سلطان فلاوون تأسیس شد. این اولین بیمارستان در قاهره بود - که بعدها به عنوان بیمارستان قدیمی شناخته شد - که بخشی از مکان کاخ قدیمی غربی عزیز را اشغال کرده بود. گزارش شده بود که برخی از کتاب‌های آن، پیش از این در مجموعه فاطمی بودند. مغریزی این کتابخانه را به هم زد و در نتیجه آن، مجموعه فاطمی یک قرن قبل از اینکه بیمارستان تأسیس شود، پراکنده شد.<sup>۸۲</sup> ابن تقریبی نقل می‌کند این کتابخانه شامل صد هزار کتاب از کتابخانه سلطنتی فاطمی بود.<sup>۸۳</sup>

در سال ۵۱۳ق/ ۱۱۱۹م وزیر افضل دارالعلم را به این دلیل که تعلیمات آن کاملاً اسماعیلی نبود، تعطیل کرد. در سال ۵۱۷ق/ ۱۱۲۳م این دارالعلم در یک مکان جدید توسط وزیر بعدی مأمون بازگشایی شد. این کتابخانه نه تنها به روی افراد دارالعلم، بلکه به روی عموم مردم نیز باز بود. ادوات رایگان برای کتابت برای همه فراهم بود؛ همان طور که مسکن، غذا و حقوق برای آنهایی که آرزو داشتند زمانی برای مطالعه آنجا بمانند، مهیا بود.<sup>۷۳</sup>

**د) فاضلیه**

کتابخانه وابسته به مدرسه فاضلیه را فاضل عبدالرحیم، منشی صلاح‌الدین تأسیس کرده بود که کتاب‌هایی از صلاح‌الدین را که از دارالعلم به وی داده بود نیز در برداشت. کتاب‌ها را دانش‌آموزان دزدیدند و خیلی زود به طور کامل پراکنده شدند.<sup>۷۴</sup>

به گفته مکسن، فاضلیه در سال ۵۸۰ق/ ۱۱۸۴-۱۱۸۵م باز شد. صلاح‌الدین به فاضل صد هزار (یا ۱۲۰۰۰۰) کتاب از دارالعلم داد. برخی از مؤلفان می‌گویند فاضل آنها را خرید. زمانی که صلاح‌الدین شهر آمد (دیاریکر) در کرانه دجله را در سال ۱۱۸۳م فتح کرد، کتابخانه‌ای با ۱۱۴۰۰۰ جلد کتاب به فاضل داد که وی از میان آنها کتاب‌هایی انتخاب کرد و با هفتاد بار شتر حمل نمود.

**د) کتابخانه فاطمی<sup>۷۵</sup>**

طبق گفته مکسن در سال ۱۰۴۳-۱۰۴۴م وزیر ابوالقاسم علی بن احمد (جرجرائی) عهده دار این کتابخانه شد؛ آن را فهرست نویسی کرد و جلد‌ها را مرتب نمود. یک منجم، دو گره جغرافیایی با ارزش را که آنجا مشاهده کرده بود، توصیف کرده، می‌افزاید تنها ۶۵۰۰۰ اثر درباره نجوم، هندسه و فلسفه در آنجا وجود داشته است. در سال ۵۶۷ق/ ۱۱۷۱م زمانی که صلاح‌الدین قاهره را فتح کرد، کتابخانه دوباره وسیع، متنوع و بسیار ارزشمند بود. مغریزی شرح می‌دهد کتاب‌ها چگونه قفسه‌بندی، رده‌بندی و فهرست نویسی می‌شدند. وی از تنوع کتاب‌ها می‌گوید و اشاره‌ای هم به آنهایی که به دستخط خطاطان مشهور بود، دارد. کارکنان شامل یک کتابدار، دو نسخه بردار و دو خدمتکار بودند. اندازه مجموعه کتابخانه در حدود ۱۲۰۰۰۰، ۶۰۱۰۰۰، یک میلیون و دو میلیون و ششصد هزار جلد کتاب ذکر شده است.<sup>۷۶</sup> ابن قفطی از ابن سبنادی نقل می‌کند که یک گره برنزی ساخت بطلمیوس را آنجا دیده است که نوشته‌ای دال بر تعلق آن به خالد بن یزید بن معاویه داشته است.<sup>۷۷</sup>

78. Meyerhof, "Uber Einige ...", pp. 288-289.

79. Heffening.

80. Heffening, "Kitabkhanah," *Encyclopedia of Islam*.

81. Grohmann, 434; Cf. Padone, p. 356.

82. Mackensen, "Muslim Libraries ...", p. 98.

83. Pedersen, "Masjdjid," *Encyclopedia of Islam*, p. 361.

73. Pinto "Le Bibliothéche ...", p. 152.

74. Nicholson, *A Literary History ...*, pp. 361-64.

75. Mackensen, "Arabic Books and ... Propaganda," pp. 96-100. Cf. Pinto, pp. 161-162.

76. Mackensen, "Background ...", pt. 2, p. 25.

77. Krenkow, "Kitabkhanah," *Encyclopedia of Islam*.

به رنگ سبزاشرافی بودند. این کتابخانه، دومین کتابخانه سلطان شد. زمانیکه آن را فروخت، چهل قاسمی طلا (واحد پول) به دست آورد.<sup>۹۰</sup>

#### ب) عایشه

از میان اشراف قرطبه که دوستاندار کتاب بودند، می توان به عایشه - شاعری از یک خاندان برجسته - اشاره کرد که ادبیات را آنقدر دوست داشت که هرگز مایل به ازدواج نبود و در حالی که دوشیزه ای با سن بالا بود، فوت کرد. وی با عشق و علاقه اش به کتاب یکی از کتابخانه های مشهور روزگار خود را در قرطبه تشکیل داد.<sup>۹۱</sup> او ممکن است همان عایشه بنت احمد قرطبی دختر ابوعقوب فیضولی که کتاب می نوشت و گردآوری می کرد، باشد.<sup>۹۲</sup>

#### ج) محمد بن حزم

محمد بن حزم، مکتب دار قرطبه، کم کم، کتابخانه ای عالی و به شدت حفاظت شده مهیا کرده بود که دانشمندان به آن رشک می بردند؛ خصوصاً کتاب هایی که خودش در وقت آزاد صبورانه و با دقت نسخه برداری می کرد.<sup>۹۳</sup> ریبیرا بیان: ابن حزم، هرپولی که می توانست، برای خرید کتاب پس انداز می کرد و وقت آزاد خود را صرف نسخه برداری کتاب ها می کرد تا دیگران بتوانند آنها را به امانت ببرند. دانشمندان اهل قلم همواره به وی به سبب صحت نوشته هایش و دقت ستودنی و در نسخه برداری از نسخه های منحصر به فردی که طی سفری به همین منظوره مشرق زمین به کار بسته بود، رشک می بردند.<sup>۹۴</sup>

#### د) کتابخانه امیه

این کتابخانه را که عموماً «الحکم» نام داشت، الحکم المستنصر خلیفه در سال های ۲۳۸-۲۷۳ ق / ۸۵۲-۸۶۶ م تأسیس کرد. این کتابخانه در طول سال های ۶۶-۳۵۰ ق / ۹۶۱-۹۷۶ م وسعت زیادی یافت و در سال ۴۰۳ ق / ۱۰۱۳ م از بین رفت. بعدها توسط جانشین او، هشام، باردیگر برپا شد. وزیر وی، الواضح (al-Wāḍih) بود که تمام آثار مادی و فلسفی را از مجموعه خارج کرد و سوزاند. آنچه باقی مانده بود، برخی را الواضح پیش از حمله بربرها در قرن پنجم هجری فروخت و باقی را فاتحان غارت کردند. برخی از کتاب ها احتمالاً به طلیطله، به کتابخانه بنو ذی النون راه یافتند.<sup>۹۵</sup>

مکنسن گزارش می دهد: کتابخانه «الحکم یکم» شامل حداقل

#### ط) مبشر ابن فاتک آمری

میر هف بیان می کند: در میانه قرن پنجم میلادی (یازدهم هجری) در قاهره، به شاهزاده دانشمند و کتابخوان فاطمی، محمودالدوله مبشر ابن فاتک آمری، به صورت خصوصی درس طب، ریاضیات و فلسفه آموزش داده می شد. خود وی نیز زیاد می نوشت و کتابخانه ای داشت که بیشتر کتاب های آن لکه دار بودند. درباره این لکه ها شیخ سدیدالدین گفته است در زمان مرگ ابن فاتک همسروی با غلامش به کتابخانه رفت و کتاب ها را در آب حوض حیاط ریخت.<sup>۸۴</sup>

#### ی) صلاح الدین

صلاح الدین در فتح مصر (۵۶۷ ق / ۱۱۷۱ م)، به همراه وزیرش فاضل برای خودش کتابخانه شخصی باشکوهی با حدود ۸۶۰۰۰ جلد کتاب تشکیل داده بود. پس از اینکه کتابخانه چند ماه متروک شد، به دوازده هزار جلد تنزل یافت. این کتابخانه ظاهراً در قاهره قرار داشت.<sup>۸۵</sup>

#### ک) یعقوب ابن کلس

یعقوب ابن کلس (وزیر عزیز، ۳۶۵-۳۷۳ ق) که تازه به کیش یهود گرویده بود، هفته ای یک بار برای شاعران، دانشمندان و مؤلفان، مجلس خصوصی برگزار می کرد. برای چاپلوسان وی، راحتی و حتی تجمل مهیا بود و به کتابخانه شخصی وی نیز دسترسی داشتند. طبق گفته میز، ابن کلس مدرسه ای خصوصی هم تأسیس کرد.<sup>۸۶</sup> وی گزارش داده است که ماهیانه، هزار دینار برای استادان، نسخه برداران و صحافان صرف می کرده است.<sup>۸۷</sup>

#### ۸. قرطبه<sup>۸۸</sup>

#### الف) ابومطرف (قاضی فتوی)

ابومطرف (قاضی فتوی ابن سلیمان عثمان) کتابخانه ارزشمندی در قرطبه داشت که شش نسخه بردار به طور مداوم در آنجا کار می کردند. ارزش زیاد آن از آنجا مشهود است که زمانی که تنگدستی خانواده ایجاد کرد آن را بفروشد، از فروش آن چهل هزار دینار به دست آمد. در زمان مرگ ابومطرف در سال ۴۲۰ ق / ۱۰۱۱ م کتاب های وی در مسجدش به مدت یک سال تمام فروخته شد و چهارصد هزار دینار به فروش رفت.<sup>۸۹</sup>

ساختمان ویژه ای که وی برای کتابخانه سفارش داده بود، با چنان هنری ساخته شد که فرد از هر نقطه می توانست تمام قفسه ها را ببیند. دالان، سقف، دیوارها، بالکن های زیبا، قالیچه ها و کوسن های گرانبها همگی

90. Mez, Renaissance ... , p. 174.

91. Ribera, Bibliofilos ... , p.31-32.

92. Ibid., p.34.

93. Rufa I, Über die Bifiophille ... , p.7, with reference to Hamid Wahbi, Mashahir al-Islam, pp. 1542-1544.

94. Pinto, "Le Bibliothéche ...", p. 146.

95. Ribera, Bibliofilos ... , p.31-32.

84. Meyerhof, "Über Einige ...", pp. 286-287.

85. Pinto, "Le Bibliothéche ...", p. 145.

86. Mackensen, "Background ...", pt.2, p.22.

87. Mez, Renaissance ... , p. 176.

88. Cordova or Cordoba (in Arabic Qurtubah) was located in Andalusia, Spain.

89. Pinto, "Le Bibliothéche ...", p.146.



از چهارصد هزار جلد (برخی می‌گویند ۶۴۰۰۰۰) بوده است که اغلب به دست خود وی حاشیه نویسی شده بودند. نمایندگان او برای خرید نسخ خطی قدیم و جدید به سراسر جهان می‌رفتند و کاتبانی از سراسر شرق برای نسخه برداری از آنچه قابل خرید نبود، اجیر می‌شدند. دانشگاه قرطبه سرشار از دانشجویان و استادانی بود که از آزادی فکرو آزادی بیان که خلیفه بر آن تأکید می‌ورزید، سرخوش بودند.

### ه) کتابخانه‌های عربی با مالکیت مسیحیان

سان آلوارو<sup>۹۹</sup> اهل قرطبه در اثرش «*Indicula Luminosa*» به ترجیح شرم‌آور چیزهای عربی توسط هم‌کیشان مسیحی اش فریاد می‌زند: «آه! تمام مسیحیان جوان با استعداد، فقط زبان و ادبیات عرب‌ها را می‌دانند؛ آنها کتاب‌های عربی را با ذوق و شوق می‌خوانند و مطالعه می‌کنند و به بهای هنگفت کتابخانه‌های بزرگی از آثار عربی گردآوری می‌کنند و همه جا اعلام می‌کنند که تنها این متون شایسته تحسین‌اند»<sup>۱۰۱</sup>.

### و) طبقات پایین‌تر، خواجه‌ها و توانگران خوش سلیقه

عشق به کتاب در قرطبه آن چنان زیاد بود که حتی طبقات پایین‌تر و خواجه‌ها تحت تأثیر این میل کتاب دوستی قرار می‌گرفتند و کتابخانه می‌ساختند. همچنین توانگران خوش ذوقی بودند که کتاب‌ها را مطابق مد روز جمع‌آوری می‌کردند.<sup>۱۰۲</sup>

### ۹. دمشق

#### خالد بن یزید بن معاویه

نخستین پیشینه از چیزی شبیه یک کتابخانه عمومی، با نام خالد بن یزید بن معاویه مرتبط است. هفنینگ می‌نویسد: «گفته می‌شود وی سبب ترجمه کتاب‌ها [درباره علوم یونانی، مخصوصاً کیمیاگری و طب] شد. زمانی که در آغاز سلطنت عمر بن عبدالعزیز بیماری‌ای همه‌گیر شد، وی امر کرد کتاب‌ها را از خزانه [کتابخانه] خارج کنند و در دسترس مردم قرار دهند».<sup>۱۰۳</sup>

مکنسن این باور را زیر سؤال برده است و به این حقیقت اشاره می‌کند که مطابق اکثر مراجع موثق، خالد در سال ۸۵ ق / ۷۰۴ م از دنیا رفته است و نه به طور قطع بعد از سال ۹۰ ق / ۷۰۸-۷۰۹ م؛ زیرا عمر دوم در سال ۹۹-۱۰۱ ق / ۷۱۷-۷۲۰ م خلیفه بود.<sup>۱۰۴</sup>

### ۱۰. فاس

#### الف) مسجد الکرویین

هفنینگ گزارش می‌دهد: ابن خلدون با سندی وقفی در سال ۷۹۹ ق / ۱۳۹۶ م کتاب «العبر» خود را به کتابخانه جامع الکرویین در

چهارصد هزار جلد (برخی می‌گویند ۶۴۰۰۰۰) بوده است که اغلب به دست خود وی حاشیه نویسی شده بودند. نمایندگان او برای خرید نسخ خطی قدیم و جدید به سراسر جهان می‌رفتند و کاتبانی از سراسر شرق برای نسخه برداری از آنچه قابل خرید نبود، اجیر می‌شدند. دانشگاه قرطبه سرشار از دانشجویان و استادانی بود که از آزادی فکرو آزادی بیان که خلیفه بر آن تأکید می‌ورزید، سرخوش بودند.

جانشین حکم، پسر چهارده ساله اش، هشام، بود که تحت فرمان دهی و به نوعی زندانی مجازی وزیرش، منصور بن ابی عامر (د. ۱۰۰۲ م) که در اروپا عمدتاً به «*Almanzor*» معروف است، بود. منصور، دیکتاتور بود و تا زمان مرگش هشام را تحت سیطره خود داشت. منصور به سبب ترس از رهبران محافظه‌کار و احساس خطر به واکنش احتمالی سنت‌گرایان نسبت به آزادی‌های رژیم پیشین، متعصب‌ترین اشخاص قرطبه را دعوت کرد تا کتابخانه سلطنتی را واریسی کرده، تمام کتاب‌هایی که مورد تأییدشان نبود، خارج کنند و وعده داد آنها را بسوزاند. کتاب‌های فلسفه و اکثر علوم، مضر فرض شدند و تنها کتاب‌های مورد تأیید، آثار مربوط به صرف و نحو، شعر، تاریخ، حقوق، حدیث، پزشکی و علم حساب بودند. از بقایای کتابخانه، آنچه تا زمان تسخیر بربرها دست نخورده مانده بود، با سقوط قرطبه در سال ۴۰۳ ق / ۱۰۱۳ م، زمانی که الواضح، حاکم شهر، اکثر کتاب‌ها را برای حقوق سربازانش فروخت، به اتمام رسید. تعداد کمی از کتاب‌ها که از فاجعه جان سالم به در بردند، چند سال بعد زمان غارت بربرها رفته بودند. برخی به سرزمین‌های دوردست برده شدند. از قرار معلوم بسیاری از آنها مطابق نوشته سعید اهل طلیطله در سال ۴۶۰ ق / ۱۰۶۷-۱۰۶۸ م به کتابخانه‌های محلی اسپانیا راه یافتند.<sup>۹۶</sup>

طبق گفته مز، فهرست کتابخانه مرکب از ۴۴ دفتر، هریک بیست صفحه دور بود که صرفاً عناوین کتاب‌ها را در بر می‌گرفت.<sup>۹۷</sup> هیتی گزارش می‌دهد: کتابخانه سلطنتی قرطبه را محمد یکم (۸۵۲-۸۵۶ م) دایر کرد و عبدالرحمان سوم (۹۱۲-۹۶۱ م) آن را توسعه داد و زمانی که الحکم دوم، مجموعه خود را به آن افزود، بزرگ‌ترین و بهترین شد.<sup>۹۸</sup>

ریبیرا می‌نویسد: الحکم دوم، زمان مرگ پدرش، سه کتابخانه قصر را که کتابخانه شخصی خود و برادرش بود، درهم آمیخت. کتابدار، مستخدم قدیمی قصر، یک خواجه بود و تشکیل و حفاظت فهرست‌ها و مراقبت از کتاب‌ها در قفسه‌ها را در حیطة وظایفش داشت. تعداد جلدها همان طور که این کتابدار بدان توجه داشته است، بیش

99. Reinhart Peiter Anne Dozy, 1820-1941. *Histoire des Musulmanes d'Espagne Jusqu'à la conquete de l'Andalousie*, ed. Levi-Provecal (Leyden: E.J. Brill, 1932), I, pp. 183-184.

100. San Alvaro.

101. Rafael Alatamira, "The Western Caliphate," in *Cambridge Medieval History*, II (1936), p. 435.

102. Ribera, *Bibliofilos* . . . , p. 35. Note: *Quotation is in Espana Sagrada*, XI, 274-75. Cf. Dozy, *Histoire* . . . , pp. 317-318. 6.

یهودیان قرطبه نیز کتابخانه‌های عربی تشکیل می‌دادند.

103. Ribera, *Bibliofilos* . . . , pp. 35-36.

104. Heffening, "Kitabkhanah" *Encyclopedia of Islam*.

96. Pinto, "Le Bibliothéche . . ." pp. 153, 158, 162-163.

منصور، حاجب را عموماً مسئول سوزاندن کتاب‌ها به قصد جلب همراهی علمای قرطبه که به پایندی وی به دین تردید داشتند، می‌داند. دیدگاه پینتوزمانی که در مورد نابودی این کتابخانه بحث می‌کند نیز چنین است.

97. Mackensen, "Muslim Libraries . . ." pp. 108-111.

98. Ribera, *Bibliofilos* . . . , pp. 25-26, 28 & 55-56.

ستایش آنها سروده شده بود، با زخرید و در کتابخانه‌اش قرار داد.<sup>۱۱۱</sup> به گفته پینتو، این کتابخانه‌ها به ویژه با غارت ری در سال ۴۲۰ ق/ ۱۰۲۹م و غارت اصفهان در سال ۴۲۵ ق/ ۱۰۳۳م توسط سربازان غزنوی، وسعت یافتند؛ اما در بازگشت آنها زمانی که شاهزاده حسین غوری شهر را در سال ۱۱۵۵م/ ۵۵۰ ق گرفت، نابود شدند. پینتو این کتابخانه‌ها را در زمره کتابخانه‌های عمومی فهرست کرده است.<sup>۱۱۲</sup>

#### ب) مسعود

هفنینگ گزارش می‌دهد: یکی از کتابخانه‌های کوچک‌تر را سلطان مسعود غزنوی<sup>۱۱۳</sup> تأسیس کرد، که اکثر گنجینه‌اش بعدها به بخارا فرستاده شد. ظاهراً این کتابخانه، شخصی بود.<sup>۱۱۴</sup> غزنه، شهری کهن در افغانستان کنونی، برای کتابخانه‌های عمومی، حمایت‌های زیادی از سلاطین غزنوی به دست آورده بود.

#### ۱۴. قرناطه

#### الف) عز عیدی

عز عیدی، کتابخانه شخصی بزرگی در قرناطه اسپانیا داشت که اسکوتیلولا<sup>۱۱۵</sup> آن را غارت کرد و بعدها به برکت خدمات خوب پادشاه قرناطه، پس گرفته شد.<sup>۱۱۶</sup>

#### ب) بنو احمر (از سلسله نصریان)

به نقل از ریرا، بنو احمر (حک. ۶۲۹-۸۹۷ ق/ ۱۴۹۱-۱۲۳۱م) با کتابخانه‌هایی آشنا بوده که ظاهراً کتابخانه‌های شخصی بوده‌اند. بدون شک الحمر برخی از این کتاب‌ها را در خود جای داد.<sup>۱۱۷</sup>

#### ج) ابن فرکون

کتابخانه شخصی ابن فرکون به سبب نسخه‌های باشکوهی که خودش آنها را تذهیب کرده بود، یاد شده است.<sup>۱۱۸</sup>

#### د) ابن لوپ

ابن لوپ،<sup>۱۱۹</sup> خطیب آتشین سخن، کتابخانه شخصی خوبی داشت.<sup>۱۲۰</sup>

#### ه) الطراز

طراز مشهور، یک کتابخانه شخصی داشت که ادبا برای مقایسه و تصحیح نسخه‌هایشان به آنجا رفت و آمد می‌کردند.<sup>۱۲۱</sup>

فاس بخشید؛ با این شرط که فقط به افراد قابل اعتماد و معتبر، برای حداکثر دو ماه، در ازای سپرده‌ای معتبر، امانت داده شود. این مدت برای نسخه برداری یا مطالعه اثر کافی بود و رئیس کتابخانه به رعایت شروط، رسیدگی می‌کرد.<sup>۱۲۰</sup>

#### ب) مدرسه صفارین

به نقل از پینتو، کتابخانه مدرسه صفارین که سلطان یعقوب بن عبدالحق (حک. ۵۹۱-۶۱۴ ق/ ۱۱۹۵-۱۲۱۷م) سلطان مرینی، آن را تأسیس کرده بود، متشکل از کتاب‌های اسپانیایی بسیاری شد که سلطان از سانچو، پادشاه مغلوب، مطالبه کرده بود.<sup>۱۲۱</sup> ایور<sup>۱۲۲</sup> بیان می‌کند: کتابخانه‌های فاس پیش از این معروف بودند. «مدرسه صفارین سابقاً شامل آثار عربی‌ای بود که سانچو پادشاه کاستیل، به عنوان باج برای یعقوب بن عبدالحق، سلطان مرینی فرستاده بود و سپس به کتابخانه معروف مسجد الکروئین برده شدند».<sup>۱۲۳</sup>

#### ۱۱. فیروزآباد

#### بهرام

بهرام وزیر (و. ۴۳۳ ق/ ۴۲-۱۰۴۱م) در فیروزآباد ایران، کتابخانه‌ای (دارالکتب) ساخت که هفت هزار جلد کتاب در آن انباشت.<sup>۱۲۴</sup>

#### ۱۲. فسطاط

#### دارالعلم

الحکم (حک. ۳۸۴-۴۱۱ ق/ ۹۶۶-۱۰۲۰م) در فسطاط مصر، مؤسسه‌ای شبیه به دارالعلم‌اش در قاهره ساخت. به گفته ابن دکماک، هنوز در زمان او (حدود ۸۰۰ ق) در فسطاط بنایی به نام دارالعلم وجود داشت.<sup>۱۲۵</sup>

#### ۱۳. غزنه

#### الف) محمود (حک. ۳۸۸-۴۲۱ ق/ ۹۹۸-۱۰۳۰م)

دانشگاهی که محمود بنا کرد، وقف عام شد و مجموعه‌ای کافی و متنوع از کتاب‌ها داشت. با اینکه او به فرهنگ دوستی مطرح شد، هنوز رفتار نامناسبش با فردوسی و بیرونی انگشت‌نماست. اگرچه علاءالدین حسین بناهای محمود و جانشینانش را نابود کرد، اشعاری را که در

111. Pedersen, "Masjud," *Encyclopedia of Islam*, p.355.

112. Mackenesen, "Muslim Libraries . . .", pp. 95-96.

113. Pinto, "Le Bibliothheche . . .", p.152.

114. Heffening, "Kitabkhana," *Encyclopedia of Islam*.

115. Esquilula.

116. Ribera, *Bibliofilos . . .*, p. 48.

117. Ibid.

118. Ibid.

119. Ibn Lope

120. Ibid.

121. Ibid.

105. Mackensen, "Arabic Books . . .", pt. 3, p.55.

106. Heffening, "Kitabkhanah," *Encyclopedia of Islam*; Levi-Provençal, in *Journal Asiatique*, ccii (1923), 164.

107. Yver.

108. Pinto "Le bibliothheche . . .", p. 153.

این اسامی و تاریخ‌ها به نظر، نیاز به بررسی دارند. مارینی‌ها فاس را تا سال ۶۴۶ ق/ ۱۲۴۸م تصاحب نکردند. یعقوب بن عبدالحق سنگ بنای شهر جدید - فاس جدید - را در سال ۶۷۴ ق/ ۱۲۷۶م بنا نهاد و مسجدی در آنجا بنا کرد. تاریخ‌های وی ۶۵۶-۶۸۵ هستند. رک به: مقاله فاس دز. ۷۹. p. ۷۹. Zambaur, Manuel. . . .

109. G. Yver, "Fas," *Encyclopedia of Islam* (1927 ed.), pp. 72-80.

110. Grobmann, "Bibliotheken . . .", p.438.

## ۱۵. همدان

## الف) مجدالدوله ابوطالب رستم

این حکمران آل بویه همدان (حک. ۹۹۷-۱۰۲۹ ق/ ۳۸۷-۴۲۰ م) که محمود غزنوی او را عزل کرد، ظاهراً کتابخانه‌ای شخصی داشت.<sup>۱۲۲</sup>

## ب) شهروند ناشناس

نیکلسون<sup>۱۲۳</sup> گزارشی از کتابخانه شخصی یک همدانی برجسته ارائه می‌دهد که شاعر برجسته، ابوتام حبیب بن اوس (و. ۸۵۰ ق) اشعاری (۸۵۰ قطعه) از دیوان معروف او گلچین کرد. این خلکان نقل می‌کند: این شاعر در اواخر زندگی عازم خراسان بود تا میهمان حاکم قدرتمند آن، عبدالله بن ظاهر شود که بارش سنگین برف، او را برای مدتی مجبور به توقف در همدان کرد. در آنجا یکی از برجسته‌ترین مردان شهر، او را پذیرایی کرد که کتابخانه‌ای با مجموعه‌هایی از شعر سروده‌های اعراب بادیه‌نشین و دیگر نویسندگان داشت. او که فرصت کافی داشت، آن آثار را به دقت خواند و از میان آنها قطعه‌هایی را انتخاب کرد که با آنها حماسه‌اش را شکل داد.<sup>۱۲۴</sup>

## ۱۶. اصفهان

## الف) مسجد آدینه

المفروخی در سال ۱۰۳۰/۴۲۱ ق می‌نویسد: در مجاورت مسجد آدینه، کتابخانه‌ای قرار دارد با اتاق‌ها و مخازن مختلف. کتابخانه را استاد رئیس ابوالعباس احمد الطوبی<sup>۱۲۵</sup> که طی سالیان متمادی کتاب‌هایی در انواع علوم از دانشمندان گذشته و معاصر گردآورده بود، ساخت. کتابخانه فهرست سه جلدی بزرگی داشت: دربرگیرنده دانش لازم برای دانشجویان و آنانی که مایل به انتخاب بین علم و جهل بودند.<sup>۱۲۶</sup>

## ب) صاحب اسماعیل بن عبّاد

صاحب اسماعیل بن عبّاد در قرن چهارم هجری کتابخانه‌ای شخصی داشت؛ متشکل از همه یا بخشی از آنچه وی می‌بایست در مدت اقامتش در اصفهان می‌داشته است؛ اما کتابخانه‌اش بیشتر برای، جایی که بیشتر دوران زندگی‌اش را گذراند و آن را برای وقف باقی گذاشت، در ارتباط است.

## ج) یک متکلم و ملاک

به نقل از مز، گفته شده است: یک متکلم و ملاک اصفهانی (و. ۲۷۲ ق/ ۸۸۵ م) سیصد هزار درهم صرف خرید کتاب کرده است.<sup>۱۲۷</sup>

## ۱۷. مراغه

## هلاکو

کزکو گزارش می‌دهد: خواجه نصیر طوسی کتابخانه بزرگی در مراغه گردآوری کرد.<sup>۱۲۸</sup> این کتابخانه با رصدخانه - که هلاکو در سال ۶۵۶ ق/ ۱۲۵۸ م دستور ساخت آن را داد - در ارتباط بود. طوسی کتاب‌ها را از الموت به مراغه برد. هیتی می‌نویسد: «در نزدیکی آن [رصدخانه] کتابخانه‌ای قرار داشت که هلاکو آن را ساخته بود و گفته شده چهارصد هزار جلد را دربر گرفته بود. بیشترین کتاب‌ها توسط سپاهیان مغول از سوریه، عراق و ایران غارت شده، گردآوری شده بودند.<sup>۱۲۹</sup>

## ۱۸. مرو

## الف) عزیزیه

به گفته پینتو، کتابخانه عزیزیه را عزیزالدین، ابجوساز (فقّاع) دربار در قرن ششم هجری تأسیس کرد.<sup>۱۳۰</sup>

گروهمن گزارش می‌دهد: که یاقوت در سال ۶۱۳ ق/ ۱۲۱۶-۱۲۱۷ م حداقل ده کتابخانه در مرو یافت. دو تا از آنها در مسجد جامع بودند؛ آن که عزیزیه نامیده می‌شد دوازده هزار جلد کتاب داشت و نامش را از فقّاع سلطان سنجر گرفته بود که آن را وقف کرد.<sup>۱۳۱</sup>

## ب) دمیریه

پینتو بیان می‌کند: یاقوت عادت داشت دو بیست هزار کتاب را همزمان از کتابخانه دمیریه بدون سپردن وثیقه امانت بگیرد.<sup>۱۳۲</sup> این ماجرا باید مربوط به حدود ۶۱۵ ق/ ۱۲۱۸ م باشد؛ یعنی زمانی که وی کتابخانه‌های مرو را زیر و رو مطالعه می‌کرد. ظاهراً اگر وثیقه‌ای لازم می‌بود، یک دینار به ازای هر جلد کتاب می‌بود.

ج) کتابخانه شرف‌الملک مستوفی (و. ۱۹۴ ق)<sup>۱۳۳</sup>

## د) نظامیه

127. Mez, Renaissance . . . , p. 174. Not named by Mez, but reference is to Abu Nu'aym, *Kitab Tarikh Ispahan*, Leiden, fol, 516 (Also 2 vols., Beirut: Dar al- kutub al- Ilmiyah, 1990).

128. Pinto, "The Libraries of the Arabs . . .", p. 223, note 1.

129. Hiiti, History . . . , p. 378.

130. Pinto, "Le Bibliothéche . . .", p. 152. Note: Kernkow translates 'birraio' as 'chamber-lain', instead of 'brewer'. Possibly for his Indian Muslim readers, *ibid*, p 2260.

131. Grohmann, "Bibliotheken . . .", p. 439.

132. Pinto, "Le Bibliothéche . . .", pp. 143, 158-159.

133. Yaquṭ (yaquṭ ibn 'Abd allah al-Hamawī, 1179 (?) -1229), IV, p. 509, noted in E. Herzfeld, "Khorasan," in *Der Islam*, XI (1921), p. 168.

122. Pinto, "Le Bibliothéche . . .", p. 146.

123. Nicholson.

124. Ibn Khallakan, ed., Wustenfēld, No, 350-De Salne's translation, vol ii, p.51; *Nicholson, Literary History . . .*, p. 129.

125. Al-Zubbi

126. C. f. A. Godard, *athar-I Iran* (Tehran: Nashriyat-i Idarah-yi Kull-i 'Atiqat, 1936), vol. I, p. 218; Edward G. Browne, "Account," *Journal of the Royal Asiatic Studies* (London, 1901), pp. 412, p. 437-438; Albert Gabriel, *Ars Islamica* (Ann Arbor University of Michigan Press, 1934), vol. I, p. 38; Schroeder, *Survey . . .*, II, pp. 956-957; al-Mafarrukhi, *Kitab Mahasin Isfahan*, Tehran, 1933.

پدرسن<sup>۱۳۸</sup> نیز گزارش می‌دهد: در قرن ششم، ده کتابخانه عمومی وقفی در مرو وجود داشت که دوتا از آنها در مسجد جامع بودند که یکی از آنها حدود دوازده هزار کتاب داشت.<sup>۱۳۹</sup>

## ۱۹. موصل

### دارالعلم ابن حمدان

کتابخانه دارالعلم را شاعرو عالم، ابن حمدان (۲۴۰-۳۲۳ ق / ۸۵۴-۹۳۵ م) تأسیس کرد.<sup>۱۴۰</sup> نام کامل مؤسس، جعفر محمد بن حمدان موصلی بود. کتابخانه آثار بسیار گوناگونی را دربرمی‌گرفت. مؤسس، تسهیلاتی برای کسانی که قصد مطالعه داشتند، شامل کاغذ رایگان برای افراد بی‌بضاعت، آماده می‌کرد. اودربارهٔ فقه، تاریخ ادبی و شعر، برای همه کسانی که مایل به شنیدن بودند، سخنرانی می‌کرد. ظاهراً این دانشگاه همانند دارالعلم شاپوردی بغداد، به موضوعات ادبی اختصاص یافته بود.<sup>۱۴۱</sup>

بنابراگفته مکنسن، ابن حمدان شاعر، نویسنده آثار ادبی زیبا و هنری، و فقیه مدرسه شافعی بود که بین سال‌های ۲۴۰-۳۲۳ ق زندگی می‌کرد. یاقوت از وی به عالم علوم قدیم یاد می‌کند.<sup>۱۴۲</sup>

## ۲۰. نیشابور

### الف) ابوسهل نصر بن مرزبان

دومنارد<sup>۱۴۳</sup> گزارش می‌دهد: ابن نویسنده قابل، زادگاهش اصفهان یا قاین را برای کسب علم ترک نمود. اودربغداد تحصیل کرد، بعد از سفرهای طولانی برای کسب علم که بخش بیشتر در ارباب‌اش را صرف آن کرد، با مجموعهٔ گرانبهایش از آثار قدیم و جدید در سال ۴۱۰ ق / ۱۰۱۹ م در نیشابور ساکن شد. ثعالبی (و. ۴۲۹ ق / ۱۰۳۷ م) از این کتاب‌ها درگردآوری تیمته‌الدهر، گلچین ادبی معروف از شاعران عرب اخیر و معاصر خود، استفاده نمود.<sup>۱۴۴</sup>

### ب) ابن حبان

بنابراگفته مز، ابن حبان قاضی (و. ۳۵۴ ق / ۹۶۵ م)، خانه‌ای به همراه «کتابخانه و فضایی برای طلاب خارجی و یک مقرری برای نگهداری آنها» وقف نیشابور کرد. کتاب‌ها به بیرون امانت داده نمی‌شدند.<sup>۱۴۵</sup>

مدرسه نظامیه کتابخانه‌ای عمومی داشت که نظام‌الملک، وزیر معروف سلجوقی در قرن پنجم هجری آن را بنا نهاده بود. نظام‌الملک بانی و مروج بزرگ ساختن مدرسه و کتابخانه بود.

## ه) کتابخانه‌های ذکر شده توسط یاقوت

### (در حدود ۶۱۵ ق / ۱۲۱۸ م)

پادور<sup>۱۳۴</sup> گزارش می‌دهد یاقوت حموی جغرافیدان (۵۷۵-۶۲۶ ق / ۱۱۷۹-۱۲۲۹ م)، سه سال را در کتابخانه‌های مرو، آنگونه که ادوارد براون توصیف می‌کند، «با ولع یک فرد حریص» به خوشی سپری کرد تا اینکه مغولان وی را مجبور به فرار کردند. او که از آزاداندیشی کتابخانه‌هایی که کتاب‌ها را به وی امانت می‌دادند، در شگفت بود، بیان می‌کند که: خانه‌اش هرگز از دو بیست جلد کتاب امانتی که برای امانت گرفتن شان دو بیست دینار سپرده لازم بود، خالی نمی‌شد. این در حالی بود که هیچ سپرده‌ای از وی گرفته نمی‌شد. توصیف او از کتابخانه‌ها که پروفیسور پاپر<sup>۱۳۵</sup> از کتاب [معجم البلدان] ترجمه کرده، سندی گرانبهاست:<sup>۱۳۶</sup>

«من سه سال آنجا ماندم ... [اگر] به خاطر آنچه از ورود تاتارها به آن سرزمین و ویرانی‌ای که به بار آوردند، نبود، ... یقیناً آنجا را به خاطر سخاوت، مهربانی، خونگرمی مردم و کثرت کتاب‌های اساسی معتبر، تا زمان مرگ ترک نمی‌کردم. زمانی که آنجا را ترک کردم، ده کتابخانه وقفی در آن وجود داشت که من هرگز چیزی مانند آن، از حیث شمار کتاب‌ها، ندیده بودم. در میان آنها، دو کتابخانه در مسجد وجود داشت؛ یکی از آنها عزیزیه نام داشت که مردی به نام عزیزالدین ابویصیر، عتیق (بنده آزاد شده) زنجانی، یا عتیق ابن ابی بکر آن را وقف کرده بود و در حدود دوازده هزار جلد کتاب در آن وجود داشت. کتابخانه دیگر کمالیه نام داشت که نمی‌دانم نامش را از چه کسی گرفته است؛ و کتابخانه شرف‌الملک مستوفی ابوسعید محمد بن منصور (و. ۴۹۴ ق) نیز کتابخانه نظام‌الملک حسن بن اسحاق که در مسجد وی [قرار داشت] دو کتابخانه متعلق به خاندان سمعانی، کتابخانه دیگر در مدرسه عمیدیه و کتابخانه‌ای متعلق به مجدالملک یکی از آخرین وزرای آنجا (مرو) و کتابخانه‌های خاتونیه در مدرسه؛ و کتابخانه ضمیریه در یکی از خانقاه‌ها، از دیگر کتابخانه‌ها هستند.<sup>۱۳۷</sup>

138. Pederson.

139. Pinto, "Le Bibliothéche . . ." p. 152; Mez, *Renaissance . . .*, p. 172, n. 3; Pedersen, "Masdjud," *Encyclopedia of Islam*, p. 361.

140. Pinto, "Le Bibliothéche . . ." p. 151. Note Krenkow has Ibn Hamdun as the founder in 323/935, instead of dead in 323/935. Each, apparently, is an error.

141. Mackensen, "Background . . .," pt. 1, p. 125.

142. *Ibid.*, pt. 2, p. 27.

143. De Menard.

144. C. Barbier de Menard, "Tableau Litteraire du Khorasan . . . au Ive Siecle de l' Hegire ." in *Journal Asiatique*, 5e serie. III (1854), pp. 357-58, n. 199.

145. Mez, *Renaissance . . .*, p. 176; C. f. Pinto, p. 159.

134. Padover.

135. Popper.

136. Yaqut, *Mu'djam al-Buldan*, 1<sup>st</sup> ed. (Cairo: Matba'ah al-San'a, 1906), vol. IV, p. 509, 1.9.

137. S. K. Padover, "Muslim Libraries," in James W. Thompson, *The Mediaeval Library* (New York: Hafner Publishing Co., 1957), pp. 354-55, and note 29.

این منبع، سیاهه کتاب‌های مربوط به تاریخ باستان و کتابخانه‌های قرون وسطی را ارائه می‌کند.

دراختیار داشت. ابن مسکویه نقل می‌کند: حامی وی (ابن عمید) کتابخانه‌ای شامل بیش از صد بارشتر در تمام علوم و شاخه‌های فلسفه و ادبیات داشت. مسکویه نقل می‌کند: زمانی که سربازان خراسان منزل ابن عمید درری را زیرورو کردند، ابن عمید نگران کتاب‌هایش بود و آن‌گاه که دانست آنها دست نخورده مانده‌اند، بی‌اندازه شادمان شد.<sup>۱۵۲</sup>

#### ب) دارالکتب

مکنسن به نقل از مقدسی گزارش می‌دهد: در نزدیکی بازار بزرگ میوه «الروضه»، حومه ری، یک دارالکتب وجود داشت که صاحب آن را تأسیس کرده بود و شامل تعداد کمی کتاب داستانی بود. تمام آنچه مقدسی بیان می‌کند، این است که این کتابخانه در یک خان قرار داشت. مقدسی نوشته خود را در سال ۳۷۵ هـ / ۹۸۵ م نوشت و در سال ۳۷۸ ق / ۹۸۸ م قبل از مرگ صاحب در سال ۳۸۵ ق نوشته‌اش را بازنگری کرد. بنابراین می‌توان گفت این کتابخانه آن کتابخانه بزرگی که شهردار آن زمان طالبش بود، بلکه ظاهراً مجموعه‌ای از نوشته‌های مفرح برای سرگرمی مسافران بوده است. اولین مرجعی است که نویسنده برای کتابخانه‌ای از افسانه‌های ناب یافته است. واژه‌ای که نویسنده استفاده کرده، دارالکتب الاحدوثة (خانه کتاب‌های داستانی) است.<sup>۱۵۳</sup>

#### ج) مؤسسه ابن سوار

ابن سوار، کتابخانه‌ای نیز در درری تأسیس کرد. این اطلاعات که در نسخه خطی کتاب مقدسی در قسطنطنیه پیدا شد، بر پایه اصلاحاتی است که مقدسی سه سال بعد از ۳۷۵ ق / ۹۸۵ م (تاریخ شرنخستین اثر) انجام داده است و بازگوکننده مشاهدات واقعی وی در سفرهای دیگر است.<sup>۱۵۴</sup>

#### د) صاحب اسماعیل بن عبّاد

بنابر گفته پینتو، صاحب اسماعیل بن عبّاد (در سال ۳۸۵ ق / ۹۹۵ م درری فوت کرد و در اصفهان دفن شد) که وزیر حکمرانان آل بویه، مؤیدالدوله و فخرالدوله بود، دعوت حاکم سامانی در خراسان برای وزارت را رد کرد، با این بهانه که کتابخانه‌اش برای انتقال به آنجا بیش از اندازه بزرگ است و فقط چهارصد بارشتر برای حمل کتب علم کلام لازم بود.<sup>۱۵۵</sup>

حاجی خلیفه در قرن یازدهم (هفدهم میلادی) با این ادعا که از کلام خود صاحب نقل قول می‌کند، نوشته است: صاحب ۱۱۷۰۰۰ جلد

#### ج) کتابخانه‌های سوخته

پینتو به کتابخانه‌هایی اشاره می‌کند که صرفاً به سبب سوزانده شدن نشان توسط تُرکان فُردسال ۵۴۸ ق / ۱۱۵۳ م از آنها آگاهیم.<sup>۱۴۶</sup>

#### ۲۱. قزوین

##### کتابخانه سلطنتی شاه اسماعیل

قزوینی و گابریلی<sup>۱۴۷</sup> گزارش می‌دهند: نقاش مشهور، کمال الدین بهزاد، به کتابداری کتابخانه سلطنتی شاه اسماعیل منصوب شد. متن حکم وی به تاریخ ۲۷ جمادی الاول، ۹۲۸ ق (۲۴ آوریل ۱۵۹۲ م)، تصریح می‌کند که وی باید در کنار سایر چیزها متصدی اداره کارکنان کتابخانه و خوشنویسان، نگارگران، طلاکاران، تذهیب‌کاران و صحافان باشد. او در اجرای وظیفه‌اش باید نمونه‌ای از دینداری و راستی، پرهیز از پارتی‌بازی و جانبداری، و عدم انحراف از راه راست و الگوی خوش رفتاری باشد.<sup>۱۴۸</sup>

#### ۲۲. رامهرمز

##### مؤسسه ابن سوار

پینتو از کتابخانه‌ای نام می‌برد که ابن سوار (همان کسی که بانی یکی از کتابخانه‌های بصره بود) آن را تأسیس کرد.<sup>۱۴۹</sup>

مینورسکی از مقدسی نقل می‌کند که: رامهرمز کتابخانه‌ای داشت که ابن سوار آن را تأسیس کرد و مرکز آموزش معتزله شد.<sup>۱۵۰</sup>

مقدسی - که کتاب جغرافیایش [احسن التقاسیم] را در سال ۳۷۵ ق / ۹۸۵ م منتشر کرد - از این کتابخانه عمومی که در رامهرمز لرستان برای ترویج اصول معتزله تأسیس شد، دیدن کرد. یک دارالکتب نیز در مسجد جامع زیبا یا یکی از تیمچه‌های مجاور قرار داشت. گروهی بیان می‌کند: مؤسس این کتابخانه، کاتب عضدالدوله (و. ۳۲۷ ق / ۹۸۲ م) بود.<sup>۱۵۱</sup>

#### ۲۳. ری

##### ابوالفضل بن عمید

به نقل از پینتو، ابوالفضل بن عمید (و. ۳۶۰ ق / ۹۷۱ م)، وزیر آل بویه، این مسکویه، فیلسوف و مورخ (و. ۴۲۱ ق / ۱۰۳۰ م) را به کتابداری

146. Pinto, "Le Bibliothec...," p. 152.

147. Gabrieli.

148. Mirza Muhammad Qazvini (and L. Bouvat), "Doux Documents Inedits Relatifs a Behzad," in *Revue du Monde Musulman*, t. 26 (1914), pp. 152-54 (158-61 text); Francesco Gabrieli, "Il Decreto di Nomina-di Bihzad a Direttore della Biblioteca di Scia Isma'il," in *Rivista Degli Studi Orientali*, XVI (1936), pp. 123-125.

149. Pinto, "Le Bibliothec...," p. 152.

150. V. Minorovsky, "Ram-Hormuz," *Encyclopedia of Islam*.

به گفته شوارتز (Schwarz) بانی آن پسر سوار بن عبداله، والی بصره بود که در سال ۱۰۵۷ ق / ۷۷۳ م ازدنیارفت.

151. Grohmann, "Bibliotheken...," p. 441.

152. Pinto, "Le Bibliothec...," p. 146.

153. Mackensen, "Muslim Libraries...," pp. 92-93; Muqaddasi, Constantinople Ms, p. 391.

154. Ibid. p. 88.

155. Pinto, "Le Bibliothec...," p. 146.

## ۲۶. شیراز

## عضدالدوله

این کتابخانه را حکمران آل بویه، عضدالدوله (حک. ۳۶۷ - ۳۷۲ ق / ۹۷۷ - ۹۸۲ م) تأسیس کرد؛ اما در زمان پسر وی بهاءالدوله مورد بی توجهی قرار گرفت. مقدسی (ص ۴۴۹) قصر و کتابخانه را توصیف کرده است. رئیس مستخدمان قصر به وی گفته بود کاخ ۳۶۰ اتاق دارد. کتابخانه خود بخشی از قصر بود. کتابخانه یک مدیر، یک کتابدار، و یک بازرس داشت که از میان معتمدترین مردم کشور انتخاب شده بودند. شاهزاده در هر شاخه از علم، هر کتاب که تا آن زمان نوشته شده بود را گردآوری کرده بود.<sup>۱۶۳</sup>

میزگزارش می‌کند: سراسر کتابخانه را رئیس الفراسین، به مقدسی نشان داده بود. اداره کتابخانه برعهده یک وکیل (مدیر)، یک خازن (کتابدار) و یک مشرف (بازرس) بود. این کتابخانه یک اتاق انتظار بزرگ و تالاری دراز با گنبدی قوسی شکل و اتاق‌هایی در پیرامون داشت. او در دیوار اتاق‌ها و تالارها، گنجه‌های چوبی روکش دار جای داده بود. هر شاخه از علم، قفسه‌ها و فهرست‌های خود را داشت که در آنها اسامی کتاب‌ها ثبت شده بود. تنها افراد مشهور اجازه ورود داشتند.<sup>۱۶۴</sup>

## ۲۷. طلیطله

## الف) بنو ذی النون

بنو ذی النون (حک. ۴۲۷ - ۴۷۸ هـ / ۱۰۳۶ - ۱۰۸۵ م)، پادشاهی کوچکی بود که همه کتابخانه‌های شخصی را با خشونت و دزدی، از جمله غارت مجموعه الاروشی<sup>۱۶۵</sup> کتابدوست، تصاحب کرده بودند. تجملته دربار آنان مثال زدنی بود.<sup>۱۶۶</sup>

## ب) ابن میمون

به نقل از ریبیرا، ابن میمون، در چندین خانه، در حومه پلجروس (طلیطله، اسپانیا) کتابخانه بزرگی موسوم به کتابخانه «نسخه‌های صحیح» نگهداری می‌کرد.<sup>۱۶۷</sup>

## ج) ابراهیم طلیطولی

کتابخانه ابراهیم طلیطولی، کتابدوست و متخصص، کسی که دستخط اصلی عالمانی که در طلیطله زندگی کرده بودند را جمع‌آوری کرده بود، در حومه پلجروس قرار داشت.<sup>۱۶۸</sup>

کتاب داشت. بیهقی، شاهد عینی ویرانی آن، بیان می‌کند: فهرست آن ده جلد بود. مقدسی با دیدن این کتابخانه و کتابخانه‌های دیگر از نقشه‌ای تصویری نام برده است که روی پارچه نقاشی شده و دریاها و رودخانه‌های آسیا را به صورت پرنده بزرگی با بال‌های گشوده نشان می‌دهد. صاحب بن عباد خود نویسنده قابل‌ی بود. دربار وی، چه درری چه در اصفهان، یکی از برجسته‌ترین مراکز ادبیات در ایران در طول قرن چهارم هجری (دهم میلادی) بود. ابو محمد عبدالله بن احمد، از صاحب منصبان اصفهان، کتابدار او بود. صاحب کتابخانه اش را وقف شهری کرد.<sup>۱۵۶</sup>

## ه) مدرسه شاهنشاه بن شهریار

این کتابخانه را ابن اسفندیار در سال ۶۰۶ ق / ۱۲۱۰ م ساخت و همان‌طور که در دیباچه تاریخ طبرستان وی ذکر شده، مورد استفاده قرار گرفت. پنج سال بعد مغولان شهر را ویران کردند و هرگز آباد نگشت. قتل عام مغول درری در سال ۶۱۷ ق / ۱۲۲۰ م و ۳۲۱ ق / ۱۲۲۴ م رخ داد.<sup>۱۵۷</sup>

پینتو از کتابخانه‌ای صحبت می‌کند که محمود غزنوی فاتح، آنها را غارت کرد و سپس در ۴۲۰ ق / ۱۰۲۹ م به غزنه برده شد. تنها کتاب‌های ضد تعالیم سنی - که محمود ساخت حامی آن بود - سوزانده شد.<sup>۱۵۸</sup>

## ۲۴. ساراگوسا

## بنو حود

ریبیرا به کتابخانه‌های سلطنتی ظاهراً خصوصی این سلسله پادشاهی کوچک مربوط به دوره حدوداً ۴۳۰-۵۱۲ ق / ۱۰۳۹-۱۱۱۸ م در سرحدات اسپانیا اشاره می‌کند، اما هیچ چیز مشخصی درباره آنها بیان نمی‌کند.<sup>۱۵۹</sup>

## ۲۵. اشبیلیه

## کتابخانه عباسی

ریبیرا بیان می‌کند: «ما باید مقام دوم را در اسپانیا از حیث کتابخانه‌ها به اشبیلیه بدهیم. کتابخانه خانواده سلطنتی آن، قابل ملاحظه بود.»<sup>۱۶۰</sup> به نقل از لوی - پروونسال،<sup>۱۶۱</sup> معتمد، آخرین حکمران سلسله عباسی (حک. ۴۱۴ / ۴۲۲ - ۴۸۴ ق / ۱۰۲۳ / ۱۰۳۱ - ۱۰۱۹ م)، شاعر و یکی از روشنفکرترین مسلمانان اسپانیایی در قرون وسطی بود. او حامی ادبیات و پژوهش، آزاداندیش و اهل تساهل بود.<sup>۱۶۲</sup>

163. Pinto, "Le Bibliothéche ...", pp. 153, 154, 160. (Krenkow's translation of this section is inexcusable); Muqaddasi, Constantiople ... , p. 449.

164. Mez, Renaissance ... , p. 173.

165. Al-Araushi .

166. Heffening, "Kitabkhanah," *Encyclopedia of Islam*.

167. Ribera, *Bibliofilos* ... , p. 45.

168. Ibid. pp. 45-46.

156. Mackensen, "Muslim Libraries ...", pp. 90-94.

157. Ibid. , p. 94; Minorovsky, "Rayy," *Encyclopedia of Islam*.

158. Pinto, "Le Bibliothéche ...", pp. 152; 16.

159. Ribera, *Bibliofilos* ... , p. 46.

160. Ibid. , p. 42.

161. Levi-Provençal.

162. Levi-Provençal "Al-Mu'tamid," *Encyclopedia of Islam*.

۲۸. طرابلس ۱۶۹  
بنوعمار

این کتابخانه را شاهزادگان بنوعمار در اواخر قرن پنجم هجری تأسیس کردند. این کتابخانه را همان طور که ابن فرات مورخ (و. ۸۰۷ ق / ۱۴۰۴ م) ثبت کرد، فرانک‌ها در جنگ صلیبی اول (۵۰۳ ق / ۱۱۰۹ م) نابود کردند. ابن فرات از شیخ یحیی نقل می‌کند که در این کتابخانه سه میلیون کتاب در تمام علوم از جمله الهیات، حدیث و ادبیات وجود داشت؛ از جمله پنجاه هزار قرآن و هشتاد هزار تفسیر. ۱۸۰ نسخه بردار شب و روز در آن کار می‌کردند. فرانک‌ها تعداد کمی از کتاب‌ها را ربودند و کتابخانه را به طور کامل سوزاندند.<sup>۱۷۰</sup>

## ۲۹. تونس

## ابوزکریا یحیی یکم

وی که مؤسس سلسله حفصیان در تونس و در سال‌های ۶۲۵ - ۶۴۷ ق / ۱۲۲۸ - ۱۲۴۹ م حاکم آنجا بود، کتابخانه‌ای داشت که مدت‌ها بعد یکی از جانشینانش، ابویحیی زکریا لحيانی (و. ۷۱۷ ق / ۱۳۱۷ م)، هنگامی که او خود را بازنشسته کرد و در قاهره به زندگی خود پرداخت، آن را فروخت.<sup>۱۷۱</sup>

## ۳۰. صور

## غیث بن علی صوری

مارگولیو<sup>۱۷۲</sup> بیان می‌کند: «گفته می‌شود منبع اطلاعات خطیب، کتابخانه‌ای بوده است که فردی به نام غیث بن علی صوری آن را گردآوری کرده بوده است. وی زمان مرگش برای خواهرش دوازده عدل (بسته) کتاب به ارث گذاشت. خطیب، در زمان اقامتش در آن شهر، به این کتاب‌ها دسترسی یافت و سپس برای خود منابعی که شمارشان به ۵۵ عدد می‌رسید، فراهم آورد.<sup>۱۷۳</sup>

## ۳۱. بلنسیه (والنسیا)

## الف) احمد، پسر ابن سوار

احمد، پسر ابن سوار کتابدوست، کتابخانه بزرگی گردآوری کرد و سرانجام کتابدار سلطنتی محدث از خاندان (خاندان) موحدون (در حدود ۴۵۰-۶۳۷ ق / ۱۱۴۷-۱۲۳۸ م) شد.<sup>۱۷۴</sup>

## ب) کتابخانه محدث (موحدون)

به نقل از ریبرا، محدث کتابخانه‌ای سلطنتی داشت که احمد، پسر ابن سوار، متصدی آن شد.<sup>۱۷۵</sup>

۱۶۹. طرابلس در لبنان است.

170. Pinto, "Le Bibliotheche ..." pp. 152, 160-61.

171. Ibid., p. 147.

172. Margoliouth.

173. D. S. Margoliouth, *Lectures on Arabic historians* (University of Calcutta, 1930), p. 150.

174. Ribera, *Bibliofilos* ... p. 47.

175. Ibid.

## ۳۲. یمن

## ملک مؤید داود بن یوسف

این پادشاه از سلسله رسولیان که از سال ۶۹۶ - ۷۲۱ ق در یمن حکومت کرد، عاشق جمع‌آوری کتاب‌ها و جستجوی آنها در سراسر کشور بود. گفته شده است کتابخانه وی ده هزار جلد کتاب داشت.<sup>۱۷۶</sup>

## نتیجه‌گیری

در این مقاله، کوشش کردم ثابت کنم کتابخانه‌های اسلامی در طول قرون وسطی، کمک زیادی به حفظ کتاب‌ها و پیشبرد دانش کردند. کتاب‌های حفظ شده در کتابخانه‌های اسلامی، بعدها به زبان‌های خارجی و به ویژه به زبان لاتین ترجمه شدند. مسلمانان پیش از سایرین در دنیا، نخستین رهبران پیشبرد دانش بودند. این حقیقت از سوی بسیاری از دانشمندان برجسته از جمله جرج سارتن<sup>۱۷۷</sup> که در اثرش با نام «رشد نهفته فرهنگ غربی در خاورمیانه» دستاوردهای مسلمانان را شرح می‌دهد، اثبات شده است.

کتابخانه‌های اسلامی قرون وسطی، برای تداوم و تعالی تقدس دانش و تشویق نوع بشر به آگاهی از ارزش مطالعه و دانش، تأسیس شدند؛ چرا که نویسنده باور دارد جهل و سوء تفاهم‌ها می‌تواند با برخورداری از دانش حقیقی نابود شود. کتابخانه‌های اسلامی قرون وسطی انتقال‌دهندگان منفعل دانش و معرفت نبودند، بلکه در پی افزایش و باقی‌گذاشتن دانشی گران‌مایه برای جانشینانشان بودند. امید است کتابخانه‌های اسلامی کنونی مشعل‌داری دانش را ادامه دهند و شور و اشتیاق مسلمانان قرون وسطی را دنبال کنند و نوع بشر را هدایت کرده، آنها را به منبع حقیقی علم و دانش رهنمون سازند.

176. Quatremere, "memories sur le Gout ..." p. 70.

۱۷۷. سخنرانی ارائه شده توسط جرج سارتن در کتابخانه کنگره در ۲۹ مارس ۱۹۵۰. این سخنرانی را کتابخانه کنگره در سال ۱۹۵۲ منتشر ساخت.